



تلاوت روزی یک جزء از
قرآن
الجزء ۱۵
Qur'an
Reciting one Juz' a day from

جزء ۱۵ - صفحه ۲۸۲ تا صفحه ۳۰۱

الجزء الخامس عشر - الصفحة ۲۸۲ إلى الصفحة ۳۰۱

Juz' (Part) 15 - Page 282 to Page 301

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

از شر وسوسه شیطان ملعون به خدا پناه می برم

I seek refuge with Allah from the accursed Satan!



﴿ سُورَةُ الْإِسْرَاءِ ﴾

سوره ۱۷ - ۱۱۱ آیه - مکی

Surah 17: (Al-Isra)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

In the name of God, the Mercy-giving, the Merciful!



سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا

پاک و منزہ است خدایی کہ در (مبارک) شبی بندہ خود (محمّد) را
Glory be to Him, Who had His servant travel by night

مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ

از مسجد حرام (مکّہ معظمہ)
from the Hallowed Mosque



إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَا الَّذِي

به مسجد اقصایی که پیرامونش را مبارک
to the Further Mosque whose surroundings

بَارَكْنَا حَوْلَهُ و لِنُرِيَهُ و مِنْ آيَاتِنَا

و پر نعمت ساختیم سیر داد تا آیات و اسرار غیب خود را به او بنماییم
We have blessed, so We might show him some of Our signs!



٦
إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ (١)

که او (خدا) به حقیقت شنوا و بیناست. (١)

He is the Alert, the Observant! (1)

وَأَتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ

و به موسی کتاب (تورات) را فرستادیم

We gave Moses the Book



وَجَعَلْنَاهُ هُدًى لِّبَنِي إِسْرَائِيلَ

و آن را وسیلهٔ هدایت بنی اسرائیل قرار دادیم
and granted it as guidance for the Children of Israel:

الَّا تَتَّخِذُوا مِنِّي دُونِي وَكَيْلًا ۚ

(و گفتیم) که غیر من هیچ کس را حافظ و کارساز فرا نگیرید. (۲)

"Do not accept any defender except Me!" (2)



ذُرِّيَّةَ مَنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ ج

(ای) فرزندان کسانی که به کشتی نوحشان بردیم (و از هلاک نجاتشان دادیم، چنان که)
[They were] offspring [of those] whom We put on board with Noah;

إِنَّهُ كَانَ عَبْدًا شَكُورًا ٣

نوح بسیار بنده شکرگزاری بود (شما هم مانند او شاکر باشید تا نجات یابید). (٣)
he was a grateful servant. (3)



وَقَضَيْنَا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ

و در کتاب (تورات، یا در لوح محفوظ و کتاب تکوین الهی)

We decreed in the Book concerning

فِي الْكِتَابِ

خبر دادیم و چنین مقدر کردیم

the Children of Israel:



۱۰
لَتُفْسِدُنَّ فِي الْأَرْضِ مَرَّتَيْنِ

که شما بنی اسرائیل دو بار حتما در زمین فساد و خونریزی می کنید و تسلط و سرکشی
"You will create havoc on earth twice,

وَلَتَعْلُنَّ عُلُوًّا كَبِيرًا

۴

سخت ظالمانه می یابید (یک بار به قتل اشعیا و مخالفت ارمیا، و بار دیگر به قتل زکریا و یحیی). (۴)
and display great haughtiness." (4)



فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَاهُمَا

پس چون وقت انتقام اول فرا رسد
When the first of both warnings came,

بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا

بندگانِ سختِ جنگجو
we despatched servants of Ours



أُولَىٰ بِأَسَىٰ شَدِيدٍ

و نیرومند خود را (چون بخت النصر) بر شما برانگیزیم
to inflict severe violence upon you (all).

فَجَاسُوا خِلَالَ الدِّيَارِ

تا آنجا که در درون خانه‌های شما نیز جستجو کنند.
They rampaged through [your] homes,



وَكَانَ وَعْدًا مَفْعُولًا ۵

و این وعده (انتقام خدا) حتمی است. (۵)

and it served as a warning which was acted upon. (5)

ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكُرَّةَ عَلَيْهِمْ

آن گاه شما را به روی آنها برگردانیم

Then We offered you another chance against them,



وَأَمَدَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ

و بر آنها غلبه دهیم و به مال و فرزندان مدد بخشیم
and reinforced you with wealth and children,

وَجَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا ﴿٦﴾

و عدّه (جنگجویان) شما را بیشتر (از دشمن) گردانیم. (۶)
and granted you more manpower. (6)



إِنْ أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ ز

اگر نیکی و احسان کردید به خود کرده‌اید

If you have acted kindly, you acted kindly towards yourselves,

وَإِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا ج

و اگر بدی و ستم کردید باز به خود کرده‌اید.

while if you committed any evil, it was towards [yourselves] as well. 

فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ الْآخِرَةِ

وآن گاه که وقت (انتقام ظلم) دیگر شما (که کشتن یحیی و زکریاست یا عزم قتل عیسی)

Thus the warning about the next one came

لَيَسُوءُوا وَجُوهَكُمْ

فرا رسید (باز بندگانی قوی و جنگ آور را بر شما مسلط می کنیم) تا اثر بیچارگی و خوف

along to trouble your persons,



وَلِيَدْخُلُوا الْمَسْجِدَ كَمَا دَخَلُوهُ

و اندوه بر رخسار شما نشانند و به مسجد بیت المقدس (معبد بزرگ شما)
and so they would enter the Mosque just as they had entered it in the

أَوَّلَ مَرَّةٍ وَلِيُتَبِّرُوا مَا عَلَوْا تَتْبِيرًا ۗ

مانند بار اول درآیند و به هر چه رسند نابود سازند. (۷)

first place, so they might utterly annihilate anything they overcame. (7)

عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَن يَرْحَمَكُمْ

امید است خدا به شما (اگر توبه کرده و صالح شوید) باز مهربان گردد و اگر
Perhaps your Lord may show mercy to you.

وَإِن عُدْتُمْ عَدُنَا

(به عصیان و ستمگری) برگردید ما هم (به عقوبت و مجازات شما) باز می‌گردیم
If you should turn back, We will go back (too)



وَجَعَلْنَا جَهَنَّمَ

و جهنم را

and turn Hell into a confinement



لِلْكَافِرِينَ حَصِيرًا

زندان کافران قرار داده ایم. (۸)

for disbelievers! (8)



٢٠
إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ

همانا این قرآن (خلق را) به راست و استوارترین طریقه هدایت می کند
This Qur'an guides one to something that is more straightforward

وَيُشِيرُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ

و اهل ایمان را
and reassures believers



يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ

که نیکوکار باشند

who perform honorable actions;


 ۹ أَنْ لَهُمْ أَجْرًا كَبِيرًا

به اجر و ثواب بزرگ بشارت می دهد. (۹)

they shall have great earnings. (9)



وَأَنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ

و بر آنان که به عالم آخرت ایمان نمی آورند

Nevertheless We have reserved painful torment for those

أَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا^ع



البتہ عذاب دردناک مہیا ساختہ ایم. (۱۰)

who do not believe in the Hereafter. (10)



وَيَدْعُ الْإِنْسَانَ بِالشَّرِّ دُعَاءَهُ

انسان با شوق و رغبتی که خیر و منفعت خود را می جوید (چه بسا به نادانی) با همان

Man appeals for evil during his appeal for good;

بِالْخَيْرِ وَكَانَ الْإِنْسَانُ عَجُولًا

شوق و رغبت شروزیان خود را می طلبد، و انسان بسیار بی صبر و شتاب کار است. (۱۱)

everyman has been so hasty! (11)



ز
وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ آيَاتَيْنِ

و ما شب و روز را دو آیت و نشانه‌ای (از قدرت خود) قرار دادیم
We have granted night and daylight as twin signs.

فَمَحَوْنَا آيَةَ اللَّيْلِ

آن گاه آیت شب (روشنی ماه) را زدودیم
We blot out the sign of night,



وَجَعَلْنَا آيَةَ النَّهَارِ مَبْصُرَةً

و آیت روز (خورشید) را تابان ساختیم
and grant the sign of daylight to see

لِتَبْتَغُوا فَضْلًا مِنْ رَبِّكُمْ

تا شما در روز (روزی حلال) از فضل خدا طلب کنید
by so you may seek bounty from your Lord



وَلِتَعْلَمُوا عَدَدَ السِّنِّينَ وَالْحِسَابَ

و تا آنکه شمار سالها و حساب (اوقات) را عموماً بدانید
and know how to count the years and other such reckoning.

وَكُلُّ شَيْءٍ فَصَّلْنَاهُ تَفْصِيلاً

۱۲

و ما (برای پند و صلاح بندگان) هر چیزی را مفصل بیان کردیم. (۱۲)
Everything have We set forth in detail. (12)



وَكُلِّ انْسَانٍ

و ما مقدرات و نتیجه اعمال هر انسانی را

We have tied

الزَّيْمَانَةَ طَائِرَةً فِي عُنُقِهِ

طوق گردن او ساختیم (که ملازم و قرین همیشگی او باشد)

everyman's fate around his neck;



وَنُخْرِجُ لَهُ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ كِتَابًا

و روز قیامت کتابی (که نامهٔ اعمال اوست) بر او بیرون آریم در حالی که آن
and We shall produce a book for him on Resurrection Day

يَلْقَاهُ مَنشُورًا

۱۳

نامه چنان باز باشد که همهٔ اوراق آن را یک مرتبه ملاحظه کند. (۱۳)
that he will find spread open; (13)



أَقْرَأْ كِتَابَكَ كَفَىٰ بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ

تو خود کتاب اعمالت را بخوان (و بنگر تا در دنیا چه کرده‌ای) که تو خود

Read your book; today there will be none but yourself

عَلَيْكَ حَسِيبًا ۱۴

تنها برای رسیدگی به حساب خویش کافی هستی. (۱۴)

to call you to account!" (14)



ز ۳۰

مَنْ اهْتَدَىٰ فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ

هر کس راه هدایت یافت تنها به نفع و سعادت خود یافته،

Anyone who submits to guidance will be guided only so far as he himself

وَمَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا

و هر که به گمراهی شتافت آن هم به زیان و شقاوت خود شتافته،

is concerned, while anyone who strays away, only strays by himself. 

وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ وَ مَا كُنَّا

و هیچ کس بار گناه دیگری را به دوش نگیرد، و ما تا رسول نفرستیم
 No burdened soul shall bear another's burden. We have never acted

مُعَذِّبِينَ حَتَّىٰ نَبْعَثَ رَسُولًا ۱۵

(و بر خلق اتمام حجت نکنیم) هرگز کسی را عذاب نخواهیم کرد. (۱۵)
 as punishers until We have despatched some messenger: (15)



وَإِذَا أَرَدْنَا

و ما چون اهل دیاری را بخواهیم به کیفر گناه هلاک سازیم
yet whenever We want

أَنْ نُهْلِكَ قَرْيَةً أَمَرْنَا مُتْرَفِيهَا

پیشوایان و متنعمان آن شهر را امر کنیم (به طاعت، لیکن)
to wipe out some town, We order its high-livers



فَفَسَقُوا فِيهَا فَحَقَّ عَلَيْهَا الْقَوْلُ

آنها راه فسق (و تبهکاری و ظلم) در آن دیار پیش گیرند (و مردم هم به راه آنها روند)
so they act depraved in it; thus the Sentence about it is proven

فَدَمَّرْنَاهَا تَدْمِيرًا

۱۶

پس آنجا تنبیه و عقاب لزوم خواهد یافت، آن گاه همه را هلاک می سازیم. (۱۶)
to be right and We utterly annihilate it. (16)



وَ كَمْ أَهْلَكْنَا مِنَ الْقُرُونِ

و چه بسیاری از ملل و اقوامی را بعد از نوح
 How many generations did We destroy

مِنْ بَعْدِ نُوحٍ

هلاک کردیم
 since Noah?



وَكَفَىٰ بِرَبِّكَ بِذُنُوبِ عِبَادِهِ

و تنها خدای تو که بر گناهان بندگانش آگاه و با خبر است کفایت می کند
Sufficient is it for your Lord to be Informed,

خَيْرًا بَصِيرًا ۱۷

(که به مصلحت هر که را خواهد عفو و هر که را خواهد عقاب کند). (۱۷)
Observant of His servants' sins! (17)



مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعَاجِلَةَ

هر کس متاع عاجل و زودگذر دنیا را طالب است متاع دنیا را

For anyone who wants the fleeting present,

عَجَّلْنَا لَهُ وَفِيهَا مَا نَشَاءُ لِمَنْ نُرِيدُ

به او می دهیم (لیکن باز) به هر که خواهیم و هر چه مشیت ازلی ما باشد،

We let whatever We wish to flit past anyone We want it to.



ثُمَّ جَعَلْنَا لَهُ وَجْهًا يَصِلُهَا

سپس (در عالم آخرت به کیفر کردارش) دوزخ را نصیب او کنیم
Then We set up Hell for him; he will roast in it,

مَذْمُومًا مَدْحُورًا



که با نكوهش و مردودی به جهنم درآید. (۱۸)
condemned, disgraced. (18)



وَمَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ

و هر که طالب حیات آخرت باشد
Anyone who wants the Hereafter

وَسَعَىٰ لَهَا سَعْيَهَا وَهُوَ مُؤْمِنٌ

و برای آن به قدر لزوم و طاقت بکوشد البته به شرط ایمان (به خدا)
and makes a proper effort to achieve it while he is a believer,



فَأُولَئِكَ

سعی چنین کسانی

will have

۱۹

كَانَ سَعْيِهِمْ مَشْكُورًا

مقبول و مأجور خواهد بود. (۱۹)

their effort gratified. (19)



كُلَّا نُمِدُّهُم بِهٖ هٰؤُلَاءِ وَهٰؤُلَاءِ مِنْ عَطَاءِ رَبِّكَ

و ما به هر دو فرقه (از دنیا طلبان و آخرت طلبان) به لطف پروردگارت مدد
Each We shall supply, these as well as those, with a gift

وَمَا كَانَ عَطَاءُ رَبِّكَ مَحْظُورًا

۲۰

خواهیم داد، که لطف و عطای پروردگارتو از هیچ کس دریغ نخواهد شد. (۲۰)
from your Lord: your Lord's gift will never be withheld. (20)



أَنْظُرْ كَيْفَ فَضَّلْنَا

بنگر تا ما چگونه (در دنیا) بعضی مردم را

Watch how We have permitted

بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ

بر بعضی فضیلت و برتری بخشیدیم

some of them to get ahead of others.



وَلِلْآخِرَةِ أَكْبَرُ دَرَجَاتٍ

(تا بدانی که) البته مراتب آخرت بسیار بیش از درجات دنیاست
The Hereafter will be greater in [conferring] ranks

وَأَكْبَرُ تَفْضِيلاً



و برتری خلائق بر یکدیگر به مراتب افزون از حد تصور است. (۲۱)
and even greater in attainment. (21)



لَا تَجْعَلْ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ

هرگز با خدای یکتا شرک و شریک میاور

Do not place any other deity alongside God,

فَتَقَعْدَ مَذْمُومًا مَخْذُولًا

۲۲

وگرنه به نکوهش و خذلان ابدی خواهی نشست. (۲۲)

lest you sit back, condemned, forsaken. (22)



وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا

و خدای تو حکم فرموده که جز او را نپرستید

Your Lord has decreed that you should worship nothing

إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا

و درباره پدر و مادر نیکویی کنید

except Him, and [show] kindness to your parents;



إِمَّا يَبْلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا

و چنان که یکی از آنها یا هر دو در نزد تو پیر و سالخورده شوند (که
whether either of them or both of them should attain old age

أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أَفٍ

موجب رنج و زحمت تو باشند) زنهار کلمه‌ای که رنجیده خاطر شوند مگو
[while they are] still with you, never say to them: "Naughty!"



وَلَا تَنْهَرُهُمَا

و بر آنها بانگ مزین
nor scold either of them.

۲۳

وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا

و آنها را از خود مران و با ایشان به اکرام و احترام سخن گو. (۲۳)
Speak to them in a generous fashion. (23)



وَإِخْفِضْ لَهُمَا

و همیشه پر و بال تواضع و تکریم را

Protect them carefully

جَنَاحِ الذَّلِيلِ مِنَ الرَّحْمَةِ

با کمال مهربانی نزدشان بگستران

from outsiders,



وَقُلْ رَبِّ ارْحَمَهُمَا

و بگو: پروردگارا، چنان که پدر و مادر، مرا از کودکی
and SAY: "My Lord, show them mercy,

کَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا ۲۴

(به مهربانی) بیپروردند تو در حق آنها رحمت و مهربانی فرما. (۲۴)
just as they cared for me [when I was] a little child!" (24)



رَبِّكُمْ أَعْلَمُ بِمَا فِي نُفُوسِكُمْ

خدایتان به آنچه در دلهای شماست داناست،

Your Lord is quite Aware of anything that is on your minds;

إِنْ تَكُونُوا صَاحِبِينَ

اگر همانا در دل اندیشهٔ صلاح دارید خدا هر که را

if you behave honorably,



فَإِنَّهُ وَ كَانَ لِلْأَوَّابِينَ غَفُورًا

۲۵

با نیت پاک به درگاه او تضرع و توبه کند البته خواهد بخشید. (۲۵)
 then He will be Forgiving towards those who are attentive. (25)

وَأَاتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ

و (ای رسول ما) تو خود حقوق خویشاوندان و ارحام خود را ادا کن
 Render your close relative his due,



وَالْمَسْكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ

و نیز فقیران و رهگذران بیچاره را به حق خودشان برسان
as well as the pauper and the wayfarer.

وَلَا تُبْذِرْ تَبْذِيرًا



و هرگز (در کارها) اسراف روا مدار. (۲۶)

Yet do not squander [your money] extravagantly; (26)



إِنَّ الْمُبَذِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ

که مبذران و مسرفان برادران شیطانهايند،
spendthrifts are the devils' brethren,



وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ كَفُورًا

و شیطان است که سخت کفران (نعمت) پروردگار خود کرد. (۲۷)
and Satan has always been ungrateful towards his Lord. (27)



وَإِذَا تَعْرَضْنَ عَنْهُمْ ابْتَغَاءَ رَحْمَةٍ

و چنانچه از ارحام و فقیران ذوی الحقوق مذکور چون فعلاً نادر هستی ولی در
Yet if you have to avoid them, seeking some mercy

مِنْ رَبِّكَ تَرْجُوهَا

آتیه به لطف خدا امیدواری، اکنون اعراض کرده و توجه به حقوقشان نتوانی کرد
which you may expect from your Lord,





فَقُلْ لَهُمْ قَوْلًا مَّيْسُورًا

باز گفتار خوش به آنان بگو. (۲۸)

still speak a courteous word to them. (28)

وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ

و نه هرگز دست خود (در احسان به خلق) محکم به گردنت بسته دار،

Do not keep your hand gripping at your throat



وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسِطِ

و نه بسیار باز و گشاده دار،
nor stretch it out as far as it will reach,

فَتَقَعِدَ مَلُومًا مَحْسُورًا

۲۹

که (هر کدام کنی) به نکوهش و درماندگی خواهی نشست. (۲۹)
lest you sit back blameworthy, destitute. (29)



إِنَّ رَبَّكَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ

همانا خدای تو هر که را خواهد روزی وسیع دهد
Your Lord extends sustenance to anyone He wishes,

لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ

و هر که را خواهد تنگ روزی گرداند،
and measures it out;



إِنَّهُ وَكَانَ بِعِبَادِهِ خَبِيرًا بَصِيرًا ۴


که او به (صلاح کار) بندگان خود کاملاً آگاه و بصیر است. (۳۰)

He is Informed, Observant about His servants. (30)

وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشْيَةَ إِمْلَاقٍ ۷

هرگز فرزندان خود را از ترس فقر به قتل مرسانید (زنده به گور مکنید)

Do not kill your children in dread of poverty;



نَحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَإِيَّاكُمْ

که ما رازق آنها و شما هستیم،

We shall provide for both them and you.

إِنْ قَتَلْتَهُمْ كَانَ خِطْئًا كَبِيرًا

زیرا این قتل فرزندان بسیار گناه بزرگی است. (۳۱)

Killing them is a serious blunder! (31)



وَلَا تَقْرَبُوا الزَّانِيَةَ

و هرگز به عمل زنا نزدیک نشوید،

Do not commit adultery.

إِنَّهُ وَكَانَ فَاحِشَةً وَ سَاءَ سَبِيلًا

که کاری بسیار زشت و راهی بسیار ناپسند است. (۳۲)

It is shocking and an evil way [to behave]. (32)



وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ

و هرگز نفس محترمی که خدا قتلش را حرام کرده مکشید
 Do not kill any soul whom God has forbidden you to,

إِلَّا بِالْحَقِّ

مگر آنکه به حکم حق مستحق قتل شود،
 except through [due process of] law.



وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا

و کسی که خونش به مظلومی و ناحق ریخته شود

We have given his nearest relatives authority

فَقَدْ جَعَلْنَا لَوَلِيِّهِ سُلْطَانًا

ما به ولیّ او حکومت و تسلط (بر قاتل) دادیم

for anyone who is killed unjustly



فَلَا يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ ^ز

پس (در مقام انتقام)، آن ولی در قتل و خونریزی اسراف نکند
 –yet let him not overdo things in killing [the culprit],

إِنَّهُ ^و كَانُ ^و مَنصُورًا ^و

۳۳

که او از جانب ما مؤید و منصور خواهد بود. (۳۳)
 inasmuch as he has been so supported. (33)



وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي

و هرگز به مال یتیم نزدیک نشوید مگر آنکه راه خیر و طریق بهتری

Do not approach an orphan's estate before

هِيَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ أَشُدَّهُ

(به نفع یتیم) منظور دارید، تا آنکه به حد بلوغ و رشد خود برسد،

he comes of age unless it is to improve it.



ز
وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ

و همه به عهد خود باید وفا کنید

Fulfil your oaths;

۳۴
إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا

که البته (در قیامت) از عهد و پیمان سؤال خواهد شد. (۳۴)

any promise will be checked into. (34)



وَأَوْفُوا الْكَيْلَ إِذَا كِلْتُمْ

و هر چه را به پیمانه (یا وزن) می سنجید تمام بپیمایید (و کم

Give full measure whenever you measure out anything,

وَزِنُوا بِالْقِسْطِ الْمُسْتَقِيمِ

و گران نفروشید) و (همه چیز را) با ترازوی درست و عادلانه بسنجید،

and weigh with honest scales;





ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا

که این کاری بهتر و عاقبتش نیکوتر است. (۳۵)
that is better and the finest way of acting. (35)

وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ

و (ای انسان) هرگز آنچه را که بدان علم و اطمینان نداری دنبال مکن
Do not worry over something you have no knowledge about:



إِنَّ السَّمْعَ وَالْبُصْرَ وَالْفُؤَادَ

که چشم و گوش و دل

your hearing, eyesight and vital organs

۳۶

كُلُّ أَوْلِيَّكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا

همه مسئولند. (۳۶)

will all be questioned concerning it. (36)



وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا

و هرگز در زمین به کبر و ناز مرو و غرور و نخوت مفروش،

Do not prance saucily around the earth;

إِنَّكَ لَنْ تَخْرِقَ الْأَرْضَ

که به نیرو زمین را نتوانی شکافت

you can never tunnel through the earth



وَلَنْ تَبْلُغَ الْجِبَالَ طُولًا ﴿٣٧﴾ كُلُّ ذَلِكَ

و به کوه در سربلندی نخواهی رسید. (۳۷) که این قبیل کارها
nor rival the mountains in height. (37) All that

كَانَ سَيِّئًا وَ عِنْدَ رَبِّكَ مَكْرُوهًا ﴿٣٨﴾

و اندیشه‌های بد، گناهِش نزد خدا ناپسند است. (۳۸)
is evil with your Lord, to be hated. (38)



ذٰلِكَ مِمَّا اَوْحٰى اِلَيْكَ

اینها پاره‌ای از حکمتهاست

Such is some of the wisdom your Lord

رَبِّكَ مِنْ اَحْكَمَةِ

که پروردگارت به تو وحی کرد،

has revealed to you.



وَلَا تَجْعَلْ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ

و هرگز با خدای یکتا کسی را به خدایی میپرست

Do not place any other deity alongside God [Alone]

۳۹

فَتُلْقَى فِي جَهَنَّمَ مَلُومًا مَدْحُورًا

وگرنه ملامت زده و مردود به دوزخ درخواهی افتاد. (۳۹)

lest you be tossed into Hell, blamed, rejected. (39)



أَفَأَصْفُكُمْ رَبُّكُمُ بِالْبَنِينَ

آیا خدا شما را به فرزندان پسر برگزیده

Has your Lord singled you out to have sons, while

وَاتَّخَذَ مِنْ أُمَّةٍ مِّنَ الْمَلَائِكَةِ إِنَاثًا ج

و خود از فرشتگان دخترانی برگرفته است؟!

He has accepted daughters from among the angels [for Himself]? 

إِنَّكُمْ لَتَقُولُونَ

این رأی و گفتار شما (مشرکان،

You are uttering

قَوْلًا عَظِيمًا



افترايي عظيم و گناهي) بسيار بزرگ است. (۴۰)

such a serious statement! (40)



وَلَقَدْ صَرَّفْنَا فِي هَذَا الْقُرْءَانِ

و ما در این قرآن انواع سخنان را نیکو بیان کردیم تا خلق متذکر شوند

We have already spelled out matters in this Reading

لِيَذْكُرُوا وَمَا يَزِيدُهُمْ إِلَّا نِفُورًا

۴۱

و از آن پند گیرند و لیکن بدان را به جز نفرت، حاصلی نمی افزاید. (۴۱)

so they will notice it, even though it only adds to their disgust. (41)

قُلْ لَوْ كَانَ مَعَهُ **ءِالِهَةٌ** كَمَا يَقُولُونَ

بگو: اگر با خدای یکتا چنان که آنها می گویند خدایان دیگری بود در این صورت آن خدایان

SAY: "If there were (other) gods along with Him as they say, then

إِذَا لَا يَبْتَغُوا إِلَى ذِي الْعَرْشِ سَبِيلًا **٤٢**

بر خدای عرش (به تنازع) راه می گرفتند (و تمنع آنان موجب اختلال نظام عالم می شد.

they would have sought a way to the Possessor of the Throne. (42)

سُبْحَانَہٗ وَتَعَالَى

پس چون عالم را نظام ثابتی است دلیل است که با خدای یگانه خدایان دیگری نیست). (۴۲)

Glory be to Him! How greatly Exalted is

عَمَّا يَقُولُونَ عُلُوًّا كَبِيرًا

۴۳

خدا از آنچه (مشرکان نادان) می‌گویند بسیار برتر و منزّه‌تر است. (۴۳)

He over anything they may say! (43)



تُسَبِّحُ لَهُ السَّمَوَاتُ السَّبْعُ

هفت آسمان و زمین و هر که در آنهاست

The Seven Heavens and Earth,

وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ

همه به ستایش و تنزیه خدا مشغولند

as well as whoever is in them, glorify Him.



وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ

و موجودی نیست در عالم جز آنکه ذکرش تسبیح و ستایش حضرت اوست
 Nothing exists unless it hymns His praise;

وَلَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ

و لیکن شما تسبیح آنها را فهم نمی کنید.
 yet you do not understand their glorification.





إِنَّهُ وَكَانَ حَلِيمًا غَفُورًا

همانا او بسیار بردبار و آمرزنده است. (۴۴)
Still He has been Lenient, Forgiving. (44)

وَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ جَعَلْنَا بَيْنَكَ

و چون تو قرآن تلاوت کنی ما میان تو
Whenever you read the Qur'an, We place a hidden curtain



وَبَيْنَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ

و آنها که به قیامت ایمان ندارند حجابی نداریم
between you and those who do not believe

حِجَابًا مَسْتُورًا



که آنها از فهم حقایق آن دور و مستور مانند. (۴۵)
in the Hereafter. (45)



وَجَعَلْنَا عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً

و ما بر دل‌های تیره آن کافران پرده‌ای افکندیم

We place wrappers over their hearts

أَنْ يَفْقَهُوهُ وَفِي آذَانِهِمْ وَقْرًا

که قرآن را فهم نکنند و در گوش‌هایشان هم سنگینی نهادیم،

lest they comprehend it, and dullness in their ears.



وَإِذَا ذَكَرْتَ رَبَّكَ فِي الْقُرْآنِ وَحْدَهُ وَ

و چون تو در قرآن خدایت را به وحدانیت و یگانگی یاد کنی

When you mention your Lord Alone in the Qur'an

وَلَوْ عَلَىٰ أَدْبَارِهِمْ نُفُورًا ٤٦

آنان روی گردانیده و به پشت گریزان می شوند. (۴۶)

they even turn their backs in disgust! (46)



نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَسْتَمِعُونَ بِهِ

ما به خیالات باطلی که وقت شنیدن گفتار تو در دل خود می‌کنند

We are quite Aware as to what they are listening for

إِذْ يَسْتَمِعُونَ إِلَيْكَ وَإِذْ هُمْ نَجْوَى

(از خود آنها) آگاه‌تریم و آن گاه که به رازگویی می‌پردازند

when they listen to you, and whenever they conspire together,



إِذْ يَقُولُ الظَّالِمُونَ

و آن مردم ستمکار گویند که
then wrongdoers will say:

۴۷

إِنْ تَتَّبِعُونَ إِلَّا رَجُلًا مَسْحُورًا

شما جز شخصی مفتون و سحرزده را پیروی نمی‌کنید. (۴۷)
"You are only following a man who is bewitched!" (47)



أَنْظُرْ كَيْفَ ضَرَبُوا لَكَ الْأَمْثَالَ

بنگر تا چه نسبتها به تو می دهند!

Watch what sort of stories they make up about you.



فَضَلُوا فَلَا يَسْتَطِيعُونَ سَبِيلًا

پس گمراه شدند و هیچ راه خلاصی نمی یابند. (۴۸)

They have strayed away and are unable to find a way back. (48)



وَقَالُوا ءَاِذَا كُنَّا عِظَامًا وَرُفَاتًا

و (کافران به معاد) گفتند: آیا ما چون استخوان پوسیده و غبارپراکنده شویم
They say: "When we are bones and mortal remains,

اَءِنَّا لَمَبْعُوثُونَ خَلْقًا جَدِيدًا

باز روزی از نو زنده و برانگیخته خواهیم شد؟! (۴۹)
will we be raised up in some fresh creation?" (49)





قُلْ كُونُوا حِجَارَةً أَوْ حَدِيدًا

بگو که شما سنگ باشید یا آهن. (۵۰)

SAY: "Become stones or iron (50)"

أَوْ خَلَقًا مِمَّا يَكْبُرُ فِي صُدُورِكُمْ

یا خلقتی (سخت‌تر از سنگ و آهن) از آنچه در دلتان بزرگ می‌نماید (باز به امر خدا

or any creation that seems important enough to fill your breasts;"

فَسَيَقُولُونَ مَنْ يُعِيدُنَا

زنده می شوید)، پس خواهند گفت: که ما را دوباره زنده می کند؟
so they will say: "Who will bring us back [to life]?"

قُلِ الَّذِي فَطَرَكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ

بگو: همان خدایی که هم اول بار شما را آفرید
SAY: "The One Who originated you in the first place."



فَسَيَنْغِضُونَ إِلَيْكَ رُءُوسَهُمْ

آن گاه آنها سر به سوی تو جنبانده گویند:

They will wag their heads at you and say:

وَيَقُولُونَ مَتَى هُوَ

پس این وعده کی خواهد بود؟

"When will it be?"



قُلْ عَسَىٰ

بگو: شاید که از حوادث نزدیک باشد

SAY:

أَنْ يَكُونَ قَرِيبًا ﴿٥١﴾

(زیرا مرگ به هر کس نزدیک است و قیامتش به مرگ برپا می شود). (۵۱)

"Perhaps it is near!" (51)



يَوْمَ يَدْعُوكُمْ فَتَسْتَجِيبُونَ بِحَمْدِهِ

روزی که خدا شما را بخواند و شما (سراز خاک بیرون کرده و) با حمد و ستایش او را
Some day He will call on you, and you will respond in praise of Him.

وَتَظُنُّونَ إِن لَّبِثْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا ۚ

اجابت کنید و تصور می کنید که جز اندک زمانی (در گورها) درنگ نکرده اید. (۵۲)
You will assume you have lingered for only a little while." (52)



وَقُلْ لِعِبَادِي يَقُولُوا الَّتِي هِيَ

و بندگانم را بگو که همیشه سخن بهتر را بر زبان آرند، که شیطان،

Tell My servants that they should say whatever is politest.

أَحْسَنُ إِنَّ الشَّيْطَانَ يَنْزِعُ بَيْنَهُمْ

(بسیار شود به یک کلمه زشت) میان آنان دشمنی و فساد برمی‌انگیزد،

Satan stirs up trouble among them;



إِنَّ الشَّيْطَانَ

زیرا دشمنی شیطان

Satan is

كَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوًّا مُّبِينًا

۵۳

با آدمیان واضح و آشکار است. (۵۳)

an open enemy to man! (53)



رَبِّكُمْ أَعْلَمُ بِكُمْ إِنَّ يَشَاءُ يَرْحَمَكُم

خدا صلاح حال شما را بهتر می داند، اگر بخواهد (و صلاح بداند) به شما
Your Lord is quite Aware of you (all); if He wishes, He will show you

أَوْ إِنْ يَشَاءُ يُعَذِّبِكُمْ

لطف و مهربانی کند یا اگر بخواهد (و مصلحت باشد) مجازات و عذاب فرماید،
mercy, while if He wishes, He will punish you.



وَمَا أَرْسَلْنَاكَ

و ما تو را وکیل و نگهبان بندگان
We have not sent you

عَلَيْهِمْ وَكَيْلًا

۵۴

نفرستاده ایم (بر تو تنها رسالت و اتمام حجت است). (۵۴)
as a trustee over them. (54)



وَرَبِّكَ أَعْلَمُ

و خدای تو به آن که

Your Lord is quite Aware

بِمَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ط

در آسمانها و زمین است داناتر (و به قابلیت هر موجودی آگاهتر) است،

of whoever is in Heaven and Earth.



وَلَقَدْ فَضَّلْنَا بَعْضَ النَّبِيِّينَ عَلَىٰ

و همانا ما بعضی از انبیاء را بر بعضی دیگر

We have made some prophets excel



بَعْضٍ وَءَاتَيْنَا دَاوُدَ زَبُورًا

برتری دادیم و به داوود زبور را عطا کردیم. (۵۵)
over others, and given David the Psalms. (55)



قُلْ اَدْعُوا الَّذِيْنَ

بگو: این بتها را که به جز خدا

SAY: "Invoke those

زَعَمْتُمْ مِنْ دُونِهِ

(مؤثر در حوائج خود) می پندارید بخوانید

whom you claim to have besides Him:



فَلَا يَمْلِكُونَ

تا بینید که نه دفع ضرری

they do not control any means

كَشَفَ الضَّرِّ عَنْكُمْ وَلَا تَحْوِيلًا

۵۶

از شما توانند کرد و نه تغییر حالی به شما توانند داد. (۵۶)

of removing harm from you, nor for changing it." (56)



أُولَئِكَ الَّذِينَ يَدْعُونَ يَبْتَغُونَ

آنهایی که (کافران به خدایی) می خوانند آنان خود به درگاه خدا
Even those whom they appeal to, crave access

إِلَىٰ رَبِّهِمُ الْوَسِيلَةَ أَيُّهُمْ أَقْرَبُ

وسیله تقرب می جویند، تا که مقرب تر باشد؟
to their Lord, vying to be nearest.



وَيَرْجُونَ رَحْمَتَهُ وَيَخَافُونَ عَذَابَهُ

و امیدوار به رحمت و ترسان از عذاب اویند،
They hope for His mercy and fear His torment.

إِنَّ عَذَابَ رَبِّكَ كَانَ مَحْذُورًا

۵۷

که البته از عذاب پروردگارت باید سخت هراسان بود. (۵۷)
Your Lord's torment is something to beware of! (57)



وَإِنْ مِنْ قَرْيَةٍ إِلَّا نَحْنُ مُهْلِكُوهَا

و هیچ شهر و دیاری نیست جز آنکه ما پیش از ظهور روز قیامت

No town exists but We shall act as its Destroyers

قَبْلَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ

اهل آن شهر را

before Resurrection Day,



ج
أَوْ مَعَذِبُوهَا عَذَابًا شَدِيدًا

یا ہلاک کردہ یا بہ عذاب سخت معذب می کنیم.
or as its Punishers by means of severe torment.



كَانَ ذَلِكَ فِي الْكِتَابِ مَسْطُورًا

این حکم در کتاب (علم ازلی حق) مسطور است. (۵۸)
That has been recorded in the Book. (58)



وَمَا مَنَعَنَا أَنْ نُرْسِلَ بِالْآيَاتِ

و ما را از فرستادن آیات و معجزات (دلخواه آنان)
Nothing has prevented Us from sending signs

إِلَّا أَنْ كَذَّبَ بِهَا الْأُولُونَ

جز تکذیب پیشینیان چیزی مانع نبود،
except that early men rejected them.



وَأَتَيْنَا ثَمُودَ النَّاقَةَ مُبْصِرَةً

و به ثمود (قوم صالح) آن ناقه را که آیتی روشن بود (و همه مشاهده
We sent Thamud she-camel to open their eyes,

فَظَلَمُوا بِهَا ج

کردند) بدادیم، اما درباره آن ظلم کردند (و ناقه را پی نمودند)،
yet they mistreated her.



وَمَا نُرْسِلُ بِالْآيَاتِ

و ما معجزات و آیات را جز برای آنکه (مردم از خدا) بترسند

We merely send signs in order

إِلَّا تَخْوِيفًا

۵۹

(و هدایت شوند) نمی فرستیم. (۵۹)

to frighten [people]. (59)



وَإِذْ قُلْنَا لَكَ

و (ای رسول ما، به یاد آر) وقتی که به تو گفتیم

Thus We told you:

ج إِنَّ رَبَّكَ أَحَاطَ بِالنَّاسِ

خدا البته به (همهٔ افعال و افکار) مردم محیط است،

"Your Lord embraces [all] mankind."



وَمَا جَعَلْنَا الرُّءْيَا الَّتِي

و ما رؤیایی را که به تو ارائه دادیم

We granted the vision which We showed you

أَرَيْنَاكَ إِلَّا فِتْنَةً لِلنَّاسِ

و درختی را که به لعن در قرآن یاد شده

only as a test for mankind



وَالشَّجَرَةَ الْمَلْعُونَةَ

(درخت نژاد بنی امیه و همهٔ ظالمان عالم) قرار ندادیم
as well as the Tree that is cursed

فِي الْقُرْآنِ

جز برای آزمایش و امتحان مردم.
in the Qur'an.



وَنُخَوِّفُهُمْ فَمَا يَزِيدُهُمْ

و ما آنها را می ترسانیم و لیکن آیات بر آنها (از فرط شقاوت)

We let them feel afraid;

إِلَّا طُغْيَانًا كَبِيرًا ٦٠

جز طغیان بزرگ چیزی نیفزاید. (۶۰)

yet it only increases great arrogance in them. (60)




وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ

و (یاد آر) وقتی که فرشتگان را امر به سجدهٔ آدم کردیم

When We told the angels: "Bow down on your knees before Adam,"

فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ

پس همه سجده کردند جز شیطان

they [all] knelt down except Diabolis. He said: "Am I to bow down 



قَالَ ءَأَسْجُدُ لِمَنْ خَلَقْتَ طِينًا

که گفت: آیا من سجده به آدمی که از گِل آفریدی فرود آرم؟! (۶۱)
 on my knees before someone You have created out of clay?" (61)

قَالَ أَرَأَيْتَكَ هَذَا الَّذِي كَرَّمْتَ عَلَيَّ

گفت: با من بگو آیا این آدم خاکی را بر من فضیلت و برتری دادی؟
 He said [further]: "Have You considered this person Yourself whom You have

لَئِنْ أَخَّرْتَنِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ

(ای خدا) اگر اجل مرا تا قیامت به تأخیر افکنی به جز قلیلی (چون معصومین honored more than me? If You will postpone things for me until Resurrection

لَا حُتَنِكَ ذُرِّيَّتَهُ إِلَّا قَلِيلًا ٦٢

(و خواص مؤمنین) همهٔ اولاد آدم را مهار می‌کنم (و به دار هلاک می‌کشانم). (٦٢)
 Day, then I shall bring all but a few of his offspring under my mastery." (62)

قَالَ اذْهَبْ فَمَنْ تَبِعَكَ مِنْهُمْ فَإِنَّ

خدا به شیطان گفت: برو که هر کس از اولاد آدم پیرو تو گردد

He said: "Go away! Any of them who follows you will have Hell

جَهَنَّمَ جَزَاءً وَكُم جَزَاءً مَوْفُورًا ۶۳

با تو به دوزخ که پاداش کامل شماست کیفر خواهد شد. (۶۳)

as your reward; it is such an ample reward! (63)



وَاسْتَفْرِزْ مَنْ اسْتَطَعْتَ مِنْهُمْ

(برو) و هر که را توانستی با آواز خود تحریک کن و به لغزش افکن،

Entice any of them whom you can with your voice.

بِصَوْتِكَ وَأَجْلِبْ عَلَيْهِمْ بِخَيْلِكَ

و با جمله لشکر سوار و پیاده‌ات بر آنها بتاز

Set upon them with your cavalry and your manpower.



وَرَجْلِكَ وَشَارِكُهُمْ فِي الْأَمْوَالِ

و در اموال و اولاد هم با ایشان شریک شو و به آنها

Share wealth and children with them,

وَالْأَوْلَادِ وَعِدَّهُمْ

وعدده (های دروغ و فریبنده) بده،

and promise them anything.



وَمَا يَعِدُهُمُ الشَّيْطَانُ

و (ای بندگان بدانید که) وعده شیطان چیزی
(Yet Satan merely promises them

إِلَّا غُرُورًا

۶۴

جز غرور و فریب نخواهد بود. (۶۴)
illusion.) (64)



إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ

همانا تو را بر بندگان (خاص) من تسلط نیست و تنها محافظت
As for My servants, you will have no authority

سُلْطَانٌ ^{وَج} وَكَفَى بِرَبِّكَ وَكِيلًا ^{٦٥}

و نگهبانی خدای تو (ای رسول، از شیطان آنها را) کافی است. (۶۵)
over them; your Lord suffices as a Trustee." (65)



رَبُّكُمْ الَّذِي

پروردگار شما همان است که

Your Lord is

يُزْجِي لَكُمْ الْفُلْكَ فِي الْبَحْرِ

به دریا برای شما کشتی‌ها را به حرکت می‌آورد

the One Who propels ships for you at sea,



لِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ ج

تا از فضل خدا (یعنی روزی) طلبید،
so you may seek some of His bounty.

۶۶

إِنَّهُ وَ بِكُمْ رَحِيمًا

که او درباره شما بسیار مهربان است. (۶۶)
He has been so Merciful towards you! (66)



وَإِذَا مَسَّكُمُ الضُّرُّ فِي الْبَحْرِ

و چون در دریا به شما خوف و خطری رسد در آن حال به جز خدا،
Whenever some adversity strikes you at sea,

ضَلَّ مَنْ تَدْعُونَ إِلَّا إِلَهَ

همه آنهايي که به خدایي می خوانید از یاد شما بروند،
anyone you appeal to besides Him leaves [you] in the lurch;



فَلَمَّا نَجَّكُمْ إِلَى الْبَرِّ أَعْرَضْتُمْ
 فوج

و آن گاه که خدا شما را به ساحل سلامت رسانید باز از خدا روی می گردانید،
 yet whenever We bring you safely to port, you (all) turn away evasively.

۶۷

وَ كَانَ الْإِنْسَانُ كَفُورًا

و انسان بسیار کفرکیش و ناسپاس است. (۶۷)

Man has been so thankless! (67)



أَفَأَمِنْتُمْ أَنْ يُخْسِفَ بِكُمْ

آیا مگر ایمنید از این که شما را

Do you feel so safe that He will not let a slice of land cave

جَانِبِ الْبُرِّ

در خشکی زمین فرو برد

in beneath you,



أَوْ يُرْسِلَ عَلَيْكُمْ حَاصِبًا

یا (تندباد غضبش) بر سرتان سنگ بارد،
or send a sandstorm down on you?

ثُمَّ لَا تَجِدُوا لَكُمْ وَكِيلًا

۶۸

آن‌گاه بر خود پناه و نگهبانی نیابید؟! (۶۸)

Then you will find no agent to act on your behalf! (68)



أَمْ أَمِنْتُمْ أَنْ يُعِيدَكُمْ فِيهِ تَارَةً أُخْرَى

یا مگر از آن ایمنید که بار دیگر خدا شما را

Or do you feel so secure that He will send you back for another chance

فَيُرْسِلَ عَلَيْكُمْ قَاصِفًا مِنَ الرِّيحِ

به اراده خود به دریا برگرداند و تندبادی بفرستد

at it, and drive a smashing gale against you which will drown you




فَيَغْرِقُكُمْ بِمَا كَفَرْتُمْ

تا همه را به کیفر کفر به دریا غرق سازد؟ آن گاه کسی را
because you have disbelieved?

ثُمَّ لَا تَجِدُوا لَكُمْ عَلَيْنَا بِهِ تَبِيعًا ۶۹

از (قهر) ما بدان غرقه کردن دادخواه و فریادرس خود نیابید؟! (۶۹)

Then you will not find any follower in it to [help] you against Us. (69)

وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ 

و محققاً ما فرزندان آدم را بسیار گرامی داشتیم

We have dignified the Children of Adam

وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ

و آنها را (بر مرکب) در برّ و بحر سوار کردیم

and transported them around on land and at sea.



وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ

و از هر غذای لذیذ و پاکیزه آنها را روزی دادیم و آنها را

We have provided them with wholesome things and favored them

عَلَىٰ كَثِيرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا ٧٠

بر بسیاری از مخلوقات خود برتری و فضیلت کامل بخشیدیم. (۷۰)

especially over many of those whom We have created. (70)



يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ اِنْسٍ بِاِمَامِهِمْ

(به یاد آر) روزی که ما هر گروهی از مردم را با پیشوایشان (به پیشگاه حقیقت)

Some day We shall call forth all mankind along with whoever has led

فَمَنْ اُوْتِيَ كِتَابَهُ وِ يَمِينِهِ

می خوانیم، پس هر کس نامه عملش را به دست راست دهند
them. Those who are given their book in their right hand,



فَأُولَٰئِكَ يَاقُرءُونَ كِتَابَهُمْ

آنها نامه خود را قرائت کنند
will read their book

وَلَا يُظْلَمُونَ فَتِيلًا ﴿٧١﴾

و کمترین ستمی به آنها نخواهد شد. (۷۱)
and not be harmed one bit; (71)



وَمَنْ كَانَ فِي هَذِهِ أَعْمَىٰ فَهُوَ

هر کس در این جهان، نابینا (ی کفر و جهل و ضلالت) است در عالم آخرت نیز
while anyone who has been blind in this [life] will remain

فِي الْآخِرَةِ أَعْمَىٰ وَأَضَلُّ سَبِيلًا ۗ

(از مشاهده بهشتیان و شهود و جمال حق) نابینا و گمراه‌تر خواهد بود. (۷۲)
blind in the Hereafter, and even further astray. (72)

وَإِن كَادُوا لَيَفْتِنُونَكَ

و نزدیک بود که کافران تو را فریب داده

They almost lure you away

عَنِ الذِّبْيِ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ

و از آنچه به تو وحی کردیم (که به بتان هیچ اعتنا مکن) غافل شوی

from what We have revealed to you,



لِتَفْتَرِيَ عَلَيْنَا غَيْرَهُ ^و ^ز

و چیز دیگر بر ما فرابندی،

in order to invent something else against Us;

وَإِذَا لَاتُخَذُوكَ خَلِيلًا ^و ^ع

۷۳

آن گاه یقیناً مشرکان تو را دوست خود می‌گرفتند. (۷۳)

then they would adopt you as a bosom friend! (73)



وَلَوْلَا أَن تَبَيَّنَّاكَ لَقَدْ كِدْتِ

و اگر ما تو را ثابت قدم نمی‌گردانیدیم نزدیک بود

If We had not braced you, you might have

تَرَكْنَ إِلَيْهِمْ شَيْئًا قَلِيلًا ۷۴

که به آن مشرکان، اندک تمایل و اعتمادی پیدا کنی. (۷۴)

almost inclined a little bit towards them. (74)



إِذَا لَأَذَقْنَاكَ ضِعْفَ الْحَيَاةِ

و در آن صورت به تو جزاء این عمل را می چشاندیم و عذاب تو را
Then We would have made you taste a double share of life

وَضِعْفِ الْمَمَاتِ

در حیات دنیا و پس از مرگ مضاعف می گردانیدیم
and a double one of dying;



ثُمَّ لَا تَجِدُ لَكَ

و آن گاه از (قهر و خشم) ما

then you would not have found any supporter

عَلَيْنَا نَصِيرًا
 ۷۵

بر خود هیچ یابوری نمی یافتی. (۷۵)

for yourself against Us! (75)



وَإِنْ كَادُوا لَيَسْتَفْرِزُونَكَ مِنَ الْأَرْضِ

و نزدیک بود که کافران تو را از سرزمین خود جنبانده

They almost scare you off the earth,

لِيُخْرِجُوكَ مِنْهَا

تا از آنجا بیرونت کنند،

to exile you from it.



وَإِذَا لَا يَلْبِثُونَ خِلَافَكَ

و در این صورت پس از آن، اندک زمانی بیش زیست نمی‌کردند
Yet they would never survive you

إِلَّا قَلِيلًا ۷۶

(که به عذاب ما همه هلاک می‌شدند). (۷۶)
except for a short while. (76)



سُنَّةَ مَنْ قَدْ أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ مِنْ

ما آیین همهٔ پیمبرانی را که پیش از تو فرستادیم نیز همین (توحید و خداپرستی و هلاک
[Such has been] the practice with any of Our messengers whom We have

رُسُلِنَا وَلَا تَجِدُ لِسُنَّتِنَا تَحْوِيلًا

کافران و نجات اهل ایمان) قرار دادیم، و این طریقهٔ ما را تغییر پذیر نخواهی یافت. (۷۷)
sent before you. You will never find any change in Our course! (77)

أَقِمِ الصَّلَاةَ لِدُلُوكِ الشَّمْسِ إِلَى

نماز را وقت زوال آفتاب تا اول تاریکی شب به پا دار (یعنی نماز ظهرین را از اول
Keep up prayer from the decline of the sun,

غَسَقِ اللَّيْلِ وَقُرْءَانَ الْفَجْرِ

ظهر و نماز عشاءین را از بدو تاریکی شب به پا دار) و نماز صبح را نیز به جای آر
until twilight at night; and [observe] the Reading at daybreak,



إِنَّ قُرْءَانَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُودًا

که آن نماز به حقیقت مشهود (نظر فرشتگان شب و فرشتگان روز) است. (۷۸)
since reading [the Qur'an] at daybreak will be witnessed! (78)

وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَكَ

و بعضی از شب را به خواندن قرآن (در نماز) بیدار و متهجّد باش،
At night, wake up and pray during it[s reading] as an extra bonus 

عَسَىٰ أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ

که نماز شب خاص توست، باشد که خدایت تو را به مقام محمود
for yourself; perhaps your Lord will raise you once again to

مَقَامًا مَحْمُودًا



(شفاعت کبری) مبعوث گرداند. (۷۹)

a praiseworthy standing. (79)



وَقُلْ رَبِّ ادْخِلْنِي مَدْخَلَ صِدْقٍ

و بگو که بارالها مرا (همیشه به هر جا روم به مکه یا مدینه یا عالم قبر و

SAY: "My Lord, let me enter through a proper entrance

وَأَخْرِجْنِي مَخْرَجَ صِدْقٍ

محشر) به قدم صدق داخل و به قدم صدق خارج گردان

and leave by an honest exit!



وَاجْعَلْ لِي مِنْ لَدُنْكَ

و به من از جانب خود حجت روشنی

Grant me supporting authority

سُلْطَانًا نَصِيرًا



که دائم یار و مددکار باشد عطا فرما. (۸۰)

from Your presence." (80)



وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ

و (به امت) بگو که (دین) حق آمد و باطل نابود شد،

And SAY (too): "Truth has come and falsehood vanished;

إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا

که باطل خود لایق محو نابودی ابدی است. (۸۱)

falsehood is so perishable! (81)



وَنَنْزِلُ مِنَ الْقُرْءَانِ

و ما آنچه از قرآن فرستیم

We send down something from the Qur'an

مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ

شفا (ی دل) و رحمت (الهی) برای اهل ایمان است
 [to serve] as healing and a mercy for believers,





وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا

و ظالمان را به جز زیان (و شقاوت) چیزی نخواهد افزود. (۸۲)
while wrongdoers are only increased in loss. (82)

وَإِذَا أَنْعَمْنَا عَلَى الْإِنْسَانِ أَعْرَضَ

و ما هر گاه به انسان نعمتی عطا کنیم از آن رو بگرداند
Whenever We show man some favor, he avoids it



وَنَاءً مَّجَانِبَهُ

و دوری جوید،

and drifts off to one side;



وَإِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ كَانَ يَئُوسًا

و هر گاه شر و بلائی به او روی آورد به کلی مأیوس و ناامید شود. (۸۳)

while whenever evil touches him, he acts desperate. (83)



قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَىٰ شَاكِلَتِهِ فَرَبُّكُمْ

بگو که هر کس بر حسب ذات و طبیعت خود عملی انجام خواهد داد،
 SAY: "Everyone acts according to his own disposition. Your Lord

أَعْلَمُ بِمَنْ هُوَ أَهْدَىٰ سَبِيلًا ۚ

و خدای شما به آن که راهیافته تر است (از همه کس) آگاهتر است. (۸۴)
 is quite Aware as to who is best guided along the Way." (84)



وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ ^ز

و تو را از حقیقت روح می پرسند، جواب ده که روح از (عالم) امر خداست
They will ask you about the Spirit.

قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي

(و بی واسطه جسمانیات به امر الهی به بدنها تعلق می گیرد) و (شما پی به حقیقت
SAY: "The Spirit [operates] at my Lord's command,





وَمَا أُوتِيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا

آن نمی‌برید زیرا) آنچه از علم به شما دادند بسیار اندک است. (۸۵)
 while you have been given only a smattering of knowledge." (85)

وَلَئِن شِئْنَا

و اگر ما بخواهیم
 If We so wished,



لَنَذْهَبَنَّا بِالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ

آنچه را که به وحی بر تو آوردیم (از قرآن و علم و آیین) همه را باز می‌بریم

We would take away anything We have inspired you with; then

ثُمَّ لَا تَجِدُ لَكَ بِهِ عَلَيْنَا وَكِيلًا

و آن گاه تو بر (قهر) ما هیچ کارساز و مددکاری در این باره نخواهی یافت. (۸۶)

you would not find anyone you could rely on against Us with it (86)

إِلَّا رَحْمَةً مِنْ رَبِّكَ

مگر رحمت و لطف پروردگار (از تو مدد کند)
except for some mercy from your Lord.

۸۷

إِنْ فَضْلَهُ وَكَانَ عَلَيْكَ كَبِيرًا

که فضل (و رحمت) او بر تو بزرگ و بسیار است. (۸۷)
His bounty towards you has been great! (87)



قُلْ لَّئِنِ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ

بگو که اگر جن و انس متفق شوند

SAY: "Even if men and sprites

عَلَىٰ أَنْ يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْءَانِ

که مانند این قرآن کتابی بیاورند

organized to produce something like this Reading,



لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ

هرگز نتوانند مثل آن آورند

they would never bring anything like it



وَلَوْ كَانُوا كَانُوا بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا

هر چند همه پشتیبان یکدیگر باشند. (۸۸)

no matter how much assistance they lent one another." (88)



وَلَقَدْ صَرَّفْنَا لِلنَّاسِ

و همانا ما در این قرآن

We have set forth every [kind of] parable

فِي هَذَا الْقُرْءَانِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ

برای مردم هر گونه مثال آوردیم (تا مگر هدایت شوند)

for mankind in this Reading;





فَأَبَىٰ أَكْثَرُ النَّاسِ إِلَّا كُفُورًا

لیکن اکثر مردم به جز از کفر و عناد از هر چیز امتناع کردند. (۱۹)
yet most men refuse to do anything except disbelieve. (89)

وَقَالُوا لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ

و گفتند: ما هرگز به تو ایمان نخواهیم آورد
They say: "We will never believe in you



حَتَّىٰ تَفْجُرَ لَنَا

تا آنکه از زمین برای ما
unless you cause a spring

۹۰ مِنْ الْأَرْضِ يَنْبُوعًا

(به اعجاز) چشمهٔ آبی بیرون آری. (۹۰)
to gush forth from the earth for us, (90)



أَوْ تَكُونُ لَكَ جَنَّةٌ مِّنْ نَّخِيلٍ وَعِنَبٍ

یا آنکه تو را باغی از خرما و انگور باشد

or have a garden full of datepalms and grapevines

۹۱

فَتَفْجِرُ الْأَنْهَارُ خِلَالَهَا تَفْجِيرًا

که در میان آن باغ نهرهای آب جاری گردانی. (۹۱)

and make rivers gush forth plentifully through the midst of them, (91)

أَوْ تُسْقِطَ السَّمَاءَ

یا آنکه بنا بر پندار و دعوی خودت
or you cause the sky to fall

كَمَا زَعَمْتَ عَلَيْنَا كِسْفًا

پاره‌ای از آسمان را بر سر ما فرود آوری
in pieces on us just as you claim,



أَوْ تَأْتِي بِاللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ قَبِيلًا

یا آنکه خدا را با فرشتگانش مقابل ما حاضر آری. (۹۲)
 or bring God and His angels to vouch for you, (92)

أَوْ يَكُونُ لَكَ بَيْتٌ مِّنْ زُخْرٍ

یا آنکه خانه‌ای از زر (و کاخی زرنگار) دارا باشی
 or you have a luxurious house built,



أَوْ تَرْقَى فِي السَّمَاءِ وَلَنْ نُؤْمِنَ بِلِرُقِيِّكَ

یا آنکه بر آسمان بالا روی و باز هم هرگز ایمان به آسمان رفتنت نیاوریم
or soar up into the sky; we will never believe in your climbing up

حَتَّىٰ تَنْزِلَ عَلَيْنَا كِتَابًا نَقْرُوهُ

تا آنکه بر ما کتابی نازل کنی که آن را قرائت کنیم.
there until you bring down a book for us to read."



قُلْ سُبْحَانَ رَبِّيَ

بگو: خدای من منزّه است (از آنکه من، او یا فرشتگان او را حاضر سازم)

SAY: " Glory be to my Lord!

هَلْ كُنْتُ إِلَّا بَشَرًا رَسُولًا ٤

٩٣

آیا من فرد بشری بیشترم که (از جانب خدا) به رسالت آمده‌ام؟ (۹۳)

Am I anything but a human messenger?" (93)



وَمَا مَنَعَ النَّاسَ أَنْ يُؤْمِنُوا

و مردم را چیزی از (هدایت و) ایمان بازداشت

Nothing prevents men from believing

إِذْ جَاءَهُمُ الْهُدَىٰ

وقتی که هدایت (قرآن) بر آنان آمد

whenever guidance comes to them



إِلَّا أَنْ قَالُوا

جز این (خیال باطل) که گفتند:
except that they say:

أَبَعَثَ اللَّهُ بَشَرًا رَسُولًا ٩٤

آیا خدا بشری را به رسالت فرستاده است؟ (۹۴)
"Has God despatched a mortal as a messenger?" (94)



قُلْ لَوْ كَانِ فِي الْأَرْضِ مَلَائِكَةٌ

بگو: اگر فرشتگان را در زمین

SAY: "If there had been angels calmly

يَمْشُونَ مُطْمَئِنِّينَ

مسکن و قرارگاه بودی

walking around on earth,



لَنَزَلْنَا عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ

ما هم فرشته‌ای را از آسمان به رسالت بر آنها می‌فرستادیم

We would have sent an angel down from Heaven

مَلَكًا رَسُولًا

۹۵

(که رسول باید از جنس امت باشد و گرنه حجت و معجزش پذیرفته نشود). (۹۵)

as a messenger for them." (95)



قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ

(ای پیغمبر، پس از اتمام حجت به امت) بگو:

SAY: "God suffices

شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ

خدا شاهد میان من و شما، کافی است

as a Witness between me and you (all).



إِنَّهُ وَكَانَ بِعِبَادِهِ

که او به (احوال) بندگانش
He is Informed, Observant

خَيْرًا بَصِيرًا ٩٦

آگاه و بصیر است. (۹۶)
about His servants." (96)



وَمَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِ وَزَنْ

و هر که را خدا رهنمایی کند، آن کس به حقیقت هدایت یافته و هر که را به گمراهی
 Anyone whom God guides, remains guided, while you will never find

يُضِلُّ فَلَنْ تَجِدَ لَهُمْ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِهِ ز

واگذار دیگر جز خدا هیچ (رهنما و) دوست و نگهبانی بر آنها نخواهی یافت
 any sponsors besides Himself for those He lets astray.

وَنَحْشُرُهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَىٰ

و چون روز قیامت شود بر روی صورت
We will summon them face down on

وَجُوهِهِمْ عُمِيَآ وَبُكْمًا وَصُمًّا

(بکشانیم و) کور و گنگ و کر محشورشان خواهیم کرد،
Resurrection Day, blind, dumb and deaf;



مَا أُولَهُمْ جَهَنَّمَ

به دوزخ مسکن کنند که هر گه آن دوزخ
their lodging will be Hell.

۹۷

كَلَّمَا خَبِتْ زِدْنَاهُمْ سَعِيرًا

آتشش خاموش شود باز شدیدتر بر آنها سوزان و فروزانش کنیم. (۹۷)

Every time it dies down, We will make it blaze up again for them. (97)

ذٰلِكَ جَزَاؤُهُمْ بِاَنَّهُمْ كَفَرُوْا بِآيَاتِنَا

این است کیفر آن کافران چون به آیات ما کافر شدند
Such will be their reward for disbelieving in Our signs

وَ قَالُوْا اِذَا كُنَّا عِظَامًا وَرُفَاتًا

و گفتند: آیا پس از آنکه ما استخوانی پوسیده و غباری پراکنده شویم
and saying: "Once we are bones and mortal remains,



أَعِنَّا لَمَبْعُوثُونَ

از نو

will we be raised up again

۹۸ خَلَقًا جَدِيدًا

باز برانگیخته می شویم؟ (۹۸)

in some fresh creation?" (98)



أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ الَّذِي

آیا ندیدند که آن خدایی که

Do they not consider that God,

خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ

آسمانها و زمین را آفرید

Who has created Heaven and Earth,



قَادِرٌ عَلَىٰ أَنْ يَخْلُقَ مِثْلَهُمْ

قادر است که مانند اینها را باز خلق کند و بر آنها

is Able to create the like of them?

وَجَعَلَ لَهُمْ أَجَلًا لَا رَيْبَ فِيهِ

وقت روز موعودی که بی شک خواهد آمد مقرر گرداند؟! (آری با این همه آیات

He has set them a deadline there is no doubt about,



فَأَبَى الظَّالِمُونَ إِلَّا كُفُورًا ۚ قُلْ

۹۹

و حجت قاطع) باز ستمکاران جز راه کفر و عناد نپیمودند. (۹۹) بگو
yet wrongdoers refuse to do anything except disbelieve. (99) SAY:

لَوْ أَنَّكُمْ تَمَلِكُونَ خَزَائِنَ رَحْمَةِ رَبِّي

که شما اگر دارای گنجهای رحمت (بی انتهای) خدای من شوید
"Even if you controlled the treasures of my Lord's mercy,



ج إِذَا لَأَمْسَكْتُمْ خَشْيَةَ الْإِنْفَاقِ

باز هم از ترس فقر و خوف درویشی، بخل از انفاق خواهید کرد،
 you would still hold them back in dread of overspending [them].

ع وَكَانَ الْإِنْسَانُ قَتُورًا



که انسان طبعاً بسیار ممسک و بخیل است. (۱۰۰)

Man is so grudging!" (100)



وَلَقَدْ ءَاتَيْنَا مُوسَى تِسْعَ ءَايَاتٍ

و همانا ما به موسی نه آیت روشن و معجز آشکار

We gave Moses nine clear signs.

بِئْنَآتٍ فَسَّـٰلُ بَنِي إِسْرَائِيلَ

عطا کردیم، این حکایت را از بنی اسرائیل سؤال کن

Ask the Children of Israel about how,



إِذْ جَاءَهُمْ فَقَالَ لَهُ فِرْعَوْنُ

که موسی بر آنها آمد، پس فرعون به او گفت: ای موسی،
when he came to them and Pharaoh told him:

۱۰۱

إِنِّي لَأَظُنُّكَ يَا مُوسَى مَسْحُورًا

من تو را سحرزده (یا ساحر و سحر آموز) می‌پندارم. (۱۰۱)
"I think you are out of your mind, Moses!", (101)



قَالَ لَقَدْ عَلِمْتَ مَا أَنْزَلَ هَؤُلَاءِ

موسی به فرعون پاسخ داد که تو خود کاملاً دانسته‌ای که این آیات را
 he said: "You know that no one except

الْأَرْبُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ بِصَائِرِ

برای هدایت و بینایی (خلق) جز خدای آسمانها و زمین نفرستاده
 the Lord of Heaven and Earth has sent these down as insights.



وَإِنِّي لَأَظُنُّكَ

و من ای فرعون، تو را

I think

يَا فِرْعَوْنَ مَثْبُورًا ١٠٢

شخصی جاهل و لایق هلاک می پندارم. (۱۰۲)

you are doomed, Pharaoh!" (102)



فَارَادَ أَنْ يَسْتَفِيزَهُمْ مِنَ الْأَرْضِ

آن گاه فرعون اراده آن کرد که موسی و قومش را از زمین (مصر) براندازد،
He wanted to scare them away from the land,

فَاغْرَقْنَاهُ وَ مَنْ مَعَهُ وَ جَمِيعًا

۱۰۳

ما هم او و همدستانش را تمام به دریا غرق کردیم. (۱۰۳)

so We drowned him and everyone who accompanied him. (103)



وَقُلْنَا مِنْ بَعْدِهِ

و بعد از آن بنی اسرائیل را فرمان دادیم

Later on, We told

لِبَنِي إِسْرَائِيلَ اسْكُنُوا الْأَرْضَ

که در آن زمین ساکن شوید

the Children of Israel: "Settle down in the land.



فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ الْآخِرَةِ

تا از آن پس که وعده آخرت فرا رسد همه شما را باز جمعاً
When the promise about the Hereafter comes along,

جِئْنَا بِكُمْ لَفِيفًا

۱۰۴

مبعوث گردانیم (و هر کس را به کیفر و پاداش عمل خود برسانیم). (۱۰۴)
We will bring you in as a rabble." (104)



وَبِالْحَقِّ أَنْزَلْنَاهُ وَبِالْحَقِّ نَزَلَ

و ما این آیات (قرآن عظیم) را به حق فرستادیم و به حق و راستی هم نازل شد،
 We have really sent it down, and it has come down for the Truth.

وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا مُبَشِّرًا وَنَذِيرًا

و نفرستادیم تو را جز برای آنکه بشارت دهی و بترسانی. (۱۰۵)
 We have sent you only as a newsbearer and warner; (105)



وَقُرْءَانًا فَرَقْنَاهُ لِتَقْرَأَهُ عَلَى النَّاسِ

و قرآنی را جزء جزء (و به تدریج) بر تو فرستادیم که تو نیز بر مردم به تدریج قرائت کنی
and for a Reading which We have divided up so you can read it to people

عَلَىٰ مَكَّةٍ وَ نَزَّلْنَاهُ تَنْزِيلًا

۱۰۶

(و با صبر و تأنی به هدایت خلق پردازی)، و این قرآن کتابی از تنزیلات بزرگ ماست. (۱۰۶)
in sittings. We have sent it down as a successive revelation. (106)

قُلْ ءَامِنُوا بِهِ ءَوْ لَا تُؤْمِنُوا ج

بگو که شما به این کتاب ایمان بیاورید یا نیاورید (مرا یکسان است که)

SAY: "Believe in it, or do not believe in it;"

إِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِهِ

البته آنها که پیش از این به مقام علم و دانش رسیدند

those who have already been given knowledge fall down bowing



إِذَا يُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ

هر گاه این آیات بر ایشان تلاوت شود
with their faces [on the ground]

۱۰۷

يَخْرُونَ لِلآذْقَانِ سَجْدًا

همه با کمال خضوع و فروتنی سر طاعت بر حکم آن فرود آورند. (۱۰۷)
whenever it is recited to them, (107)



وَيَقُولُونَ سُبْحَانَ رَبِّنَا

و گویند: پروردگار ما پاک و منزّه است،
while they say: "Glory to our Lord!"

إِنْ كَانَ وَعْدُ رَبِّنَا لَمَفْعُولًا

۱۰۸

البته وعدهٔ خدای ما محققاً واقع خواهد شد. (۱۰۸)
Our Lord's promise has come true! (108)



وَيَجْرُونَ لِلآذْقَانِ يَبْكُونَ

و آنها با چشم گریان همه سر به خاک عبودیت نهاده،
They fall down with their faces [on the ground], weeping

وَيَزِيدُهُمْ خُشُوعًا

۱۰۹



و پیوسته بر فروتنی و ترسشان (از خدا) می افزاید. (۱۰۹)
and it increases them in reverence. (109)



قُلِ ادْعُوا اللَّهَ أَوْ ادْعُوا الرَّحْمَنَ

بگو که خواه خدا را به اسم الله یا به اسم رحمان بخوانید،

SAY: "Appeal to God, or appeal to the Mercy-giving:

أَيًّا مَا تَدْعُوا فَلَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ

به هر اسمی بخوانید اسماء نیکو همه مخصوص اوست.

whichever [name] you may invoke, He still has the Finest Names. 

وَلَا تَجْهَرُ بِصَلَاتِكَ وَلَا تُخَافِتُ بِهَا

و تو در نماز نه صدا را بسیار بلند و نه بسیار آهسته گردان
Do not shout in your prayer nor say it under your breath;

وَابْتَغِ بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا

۱۱۰

بلکه حدّ وسط را اختیار کن. (۱۱۰)
seek a course in between. (110)



وَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا

و بگو: ستایش مخصوص خداست که نه هرگز فرزندی بر گرفته

SAY: "Praise be to God Who has adopted no son

وَلَمْ يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ

و نه شریکی در ملک خود دارد

and has no partner in control."



وَلَمْ يَكُنْ لَهُ وِوَالِي مِنَ الذِّلِّ

و نه هرگز عزت و اقتدار او را نقصی رسد که به دوست و مددکاری نیازمند شود،
He needs no protector against such pettiness.

وَكَبِيرَةً تَكْبِيرًا ع



و پیوسته ذات الهی را به بزرگترین اوصاف کمال، ستایش کن. (۱۱۱)
Magnify Him greatly!` (111)



سوره ۱۸ - ۱۱۰ آیه - مکی ﴿ سُورَةُ الْكَهْفِ ﴾

Surah 18: (Al-Kahf)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

به نام خداوند بخشنده مهربان

In the name of God, the Mercy-giving, the Merciful!



أَحْمَدُ لِلَّهِ الَّذِي

ستایش و سپاس مخصوص خداست

Praise be to God,

أَنْزَلَ عَلَيَّ عَبْدِهِ الْكِتَابَ

که بر بنده خاص خود (محمد صلی الله علیه وآله وسلم) این کتاب بزرگ (قرآن)

Who has sent down the Book for His servants



وَلَمْ يَجْعَلْ لَهُ عِوَجًا ۝١

را نازل کرد و در آن هیچ نقص و کژی ن نهاد. (۱)
and has placed no distortion in it, (1)

قِيمًا لِيُنذِرَ بَأْسًا شَدِيدًا مِّنْ لَّدُنْهُ

کتابی است در نهایت استواری تا (به این کتاب بزرگ، خلق را) از عذاب سخت خود بترساند
[it is] straightforward, so He may warn about serious violence

وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ

و اهل ایمان را کہ

from Himself and give good news to believers

يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ

اعمال آنها نیکوست

who perform honorable deeds.




 ۲
 أَنْ لَهُمْ أَجْرًا حَسَنًا

به اجر بسیار نیکو، بشارت دهد. (۲)

They will have a handsome wage, (2)


 ۳
 مَا كَثِيرٍ فِيهِ أَبَدًا

که در آن سرمنزل پر نعمت بهشتی، زندگانی ابدی خواهند داشت. (۳)

to bask in it for ever and ever. (3)



وَيُنذِرَ الَّذِينَ

و بترساند آنان را که

He warns those

قَالُوا اتَّخَذَ اللَّهُ وَلَدًا



گفتند: خدا فرزندی (برای خود) برگرفته است. (۴)

who say: "God has adopted a son." (4)



مَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ وَلَا لِآبَائِهِمْ ج

آنها نه خود و نه پدرانشان از روی علم و دانش سخن نمی گویند،
They have no knowledge about it, nor did their forefathers have any

كَبُرَتْ كَلِمَةً تَخْرُجُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ ج

این کلمه بزرگی است که از دهانشان خارج می شود
either. It is too serious a statement to come out of their mouths:





إِنْ يَقُولُونَ إِلَّا كَذِبًا

و جز دروغ چیزی نمی گویند. (۵)

they are merely telling a lie! (5)

فَلَعَلَّكَ بَاخِعٌ نَفْسَكَ عَلَىٰ آثَارِهِمْ

نزدیک است که اگر امت تو به این سخن (قرآن) ایمان نیاورند

Perhaps you will fret yourself to death checking up on them,



إِنَّكُمْ لَمُؤْمِنُونَ

جان عزیزت را
worrying lest

بِهَذَا الْحَدِيثِ أَسْفًا ٦

از شدت حزن و تأسف بر آنان هلاک سازی! (٦)
they will not believe this report. (6)



إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لَهَا

ما آنچه را که در زمین جلوه‌گر است زینت و آرایش ملک زمین قرار دادیم

We have placed whatever is on earth as an ornament for it

لِنَبْلُوهُمْ أَيُّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا

تا مردم را امتحان کنیم که کدام یک عملشان نیکوتر خواهد بود. (۷)

so We may test them as to which one is best in action; (7)



وَإِنَّا لَجَاعِلُونَ

و ما آنچه را زیور زمین گردانیدیم باز همه را به دست ویرانی
and We shall turn anything

مَا عَلَيْهَا صَعِيدًا جُرُزًا



و فنا می دهیم و زمین را دشتی خشک و بی گیاه خواهیم ساخت. (۸)
on it into a barren wasteland. (8)



أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ أَصْحَابَ الْكَهْفِ

تو پنداری که (قصه) اصحاب کهف و رقیم (در مقابل این همه

Have you considered how the Companions in the Cave

وَالرَّقِيمِ كَانُوا مِنْ آيَاتِنَا عَجَبًا ۙ

آیات قدرت و عجایب حکمت‌های ما) از آیات عجیب ماست؟! (۹)

and with the Tablet were such marvellous signs of Ours? (9)



إِذْ أَوَى الْفِتْيَةُ إِلَى الْكَهْفِ

آن گاه که آن جوانمردان (از بیم دشمن) در غار کوه پنهان شدند
Thus the youths sought shelter in the Cave,

فَقَالُوا رَبَّنَا آتِنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً

و از درگاه خدا مسئلت کردند بار الهها، تو در حق ما به لطف خاص خود
and said: "Our Lord, grant us mercy from Your presence



وَهَيِّ لَنَا

رحمتی عطا فرما
and furnish us

مِنْ أَمْرِنَا رَشْدًا

و بر ما وسیلهٔ رشد و هدایتی کامل مهیا ساز. (۱۰)
with some direction in our affair." (10)



فَضَرَبْنَا عَلَىٰ آذَانِهِمْ

پس ما (در آن غار از خواب) بر گوش

We struck them with drowsiness

فِي الْكَهْفِ سِنِينَ عَدَدًا



و هوش آنها تا چند سالی پردهٔ بیهوشی زدیم. (۱۱)

in the Cave for several years; (11)



ثُمَّ بَعَثْنَاهُمْ لِنَعْلَمَ أَيُّ الْحِزْبَيْنِ

پس از آن خواب، آنان را برانگیختیم تا معلوم گردانیم کدام یک از آن دو گروه (مؤمنان)
 then We awakened them again so We might know which of the two parties

أَحْصَى لِمَا لَبِثُوا أَمْدًا ١٢

اهل کتاب که در خواب اصحاب کهف اختلاف داشتند) مدت درنگ در آن غار را بهتر احصا
 would best calculate how long a stretch they had remained [there]. (12)

نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ

خواهند کرد (وپی به قدرت خدامی برند). (۱۲) ما قصه آنان را

We shall relate their story

نَبَاهُهُمْ بِالْحَقِّ

بر تو به درستی حکایت خواهیم کرد.

to you correctly:



إِنَّهُمْ فِتْيَةٌ آمَنُوا بِرَبِّهِمْ

آنها جوانمردانی بودند که به خدای خود ایمان آوردند
 They were young men who believed in their Lord,

وَزِدْنَاهُمْ هُدًى ۱۳

و ما بر مقام (ایمان و) هدایتشان بیفزودیم. (۱۳)
 and We gave them extra guidance. (13)



وَرَبَطْنَا عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ إِذْ قَامُوا

و دل‌های (پاک) آنها را سخت استوار و دلیر ساختیم آن گاه که آنها قیام کرده
We strengthened their hearts when they stood up

فَقَالُوا رَبُّنَا رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ

و گفتند: خدای ما پروردگار آسمانها و زمین است
and said: "Our Lord is Lord of Heaven and Earth.



لَنْ نَدْعُوا مِنْ دُونِهِ إِلَهًا

و ما هرگز جز خدای یکتا هیچ کس را به خدایی نمی خوانیم،

We will never appeal to any deity except Him;

لَقَدْ قُلْنَا إِذَا شَطَطًا

۱۴

که اگر بخوانیم سخت راه خطا و ظلم پیموده ایم. (۱۴)

should we say [such a thing], then it would be an outrage. (14)



۲۱۶ ز
هَؤُلَاءِ قَوْمُنَا اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ آلِهَةً

این قوم ما که خدایانی غیر خدای یگانه برگرفتند

These people of ours have adopted other gods besides Him.

لَوْ لَا يَأْتُونَ عَلَيْهِمْ بِسُلْطَانٍ بَيِّنٍ

چرا هیچ دلیلی روشن بر خدایی آنها نمی آورند؟

If they would only bring some clear authority to support them!"



فَمَنْ أَظْلَمُ

پس چه کسی ستمکارتر

Who is more in the wrong than someone

مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا ۝ ١٥

از آن کس که افترا و دروغ بر خدا می بندد؟! (۱۵)

who invents a lie about God? (15)



وَإِذَا عَزَلْتُمْوَهُمْ وَمَا يَعْبُدُونَ

وآن گاه اصحاب کهف با یکدیگر گفتند که شما چون از این مشرکان و خدایان باطلشان
When you withdraw from them and whatever they serve

إِلَّا اللّٰهَ فَأَوْوَا إِلَى الْكَهْفِ

که جز خدا می پرستند دوری جستید باید به غار کوه گریخته و پنهان شوید
instead of God, then seek shelter in the Cave.



يَنْشُرْ لَكُمْ رَبُّكُمْ مِنْ رَحْمَتِهِ

تا خدا از رحمت خود به شما گشایش و توسعه بخشد و اسباب کار شما را با
Your Lord will spread some of His mercy over you

وَيَهِيءْ لَكُمْ مِنْ أَمْرِكُمْ مِرْفَقًا

(روزی حلال و) آسایش مهیا سازد. (آن گاه به غار کوه رفته و به خواب شدند.) (۱۶)
and make fitting arrangements for you in your affair. (16)

وَتَرَى الشَّمْسَ إِذَا طَلَعَتْ 

و گردش آفتاب را چنان مشاهده می‌کنی

You should have seen how the sun as it rose,

تَزَاوَرُ عَنْ كَهْفِهِمْ ذَاتَ الْيَمِينِ

که هنگام طلوع از سمت راست غار آنها برکنار

swerved away from their Cave toward the right;



وَإِذَا غَرَبَتْ تَقَرَّبُ إِلَيْهِمْ ذَاتُ الشِّمَالِ

و هنگام غروب نیز از جانب چپ ایشان به دور می‌گردد و آنها در فضای
and as it set, slanted off toward the left of them,

وَهُمْ فِي فَجْوَةٍ مِنْهُ

گسترده غار قرار دارند (و کاملاً از حرارت خورشید در آسایشند).
while they lay in a space in between.



ذٰلِكَ مِنْ اٰيَاتِ اللّٰهِ ط

این حکایت جوانمردان کهف یکی از آیات الهی است

That was one of God's signs.

مَنْ يَهْدِ اللّٰهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِ ز

هر کس را خدا راهنمایی کند او به حقیقت هدایت یافته

Anyone whom God guides, remains guided;



وَمَنْ يُضِلُّ

و هر که را در گمراهی واگذارد
while anyone He lets go astray

فَلَنْ تَجِدَ لَهُ وَلِيًّا مُرَشِدًا^ع

۱۷

دیگر هرگز برای چنین کس هیچ یار راهنمایی نخواهی یافت. (۱۷)
will never find any patron to set him straight. (17)



وَتَحْسَبُهُمْ آيِقَازًا وَهُمْ رَقُودٌ

و آنها را بیدارپنداری و حال آنکه در خوابند

You would reckon they were awake, while they [really] lay there

وَنُقَلِّبُهُمْ ذَاتَ الْيَمِينِ

و ما (برای رفع خستگی) آنان را به پهلوئی راست

asleep. We turned them over on the right



وَذَاتِ الشِّمَالِ ز

و چپ می گردانیدیم
and on the left,

ج وَكَلْبُهُمْ بَاسِطٌ ذِرَاعَيْهِ بِالْوَصِيدِ

و سگ آنها، دو دست بر در آن غار گسترده داشت،

while their dog lay stretched out with his forepaws over the threshold.

لَوْ اَطَّلَعْتَ عَلَيْهِمْ لَوَلَّيْتَ مِنْهُمْ

و اگر بر حال ایشان مطلع شدی از آنها گریختی

If you had chanced upon them, you would have turned and fled

فِرَارًا وَ لَمَلَّيْتُ مِنْهُمْ رُعْبًا

۱۸

و از هیبت و عظمت آنان بسیار هراسان گردیدی. (۱۸)

from them; you would have been filled with awe of them! (18)



وَكَذَلِكَ بَعَثْنَاهُمْ

و همچنین (که خوابشان کردیم) آنان را از خواب برانگیختیم

Even so We raised them up again

لِيَتَسَاءَلُوا بَيْنَهُمْ

تا (از زمان خوابشان که بر خود آنها مشتبه و نامعلوم بود) از یکدیگر بپرسند،

so they might question one another.



قَالَ قَائِلٌ مِنْهُمْ كَمْ لَبِثْتُمْ

یکی پرسید: چند مدت (در غار) درنگ کردید؟

One of them spoke up and said: "How long have you stayed [here]?"

قَالُوا لَبِثْنَا يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ

جواب دادند: یک روز تمام یا که برخی از روز.

They said: "We have stayed a day, or part of a day."



قَالُوا رَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَا لَبِثْتُمْ

دیگر بار گفتند: خدایتان داناتر است که چند مدت در غار بوده‌اید،

They said: "Your Lord is quite Aware of how long

فَابْعَثُوا أَحَدَكُمْ بِوَرِقِكُمْ

باری شما یکی را با این درهمهاتان

you have stayed [here], so send one of your men



هَذِهِ إِلَى الْمَدِينَةِ

به شهر بفرستید

to the city with this coin of yours.

فَلْيَنْظُرْ أَيُّهَا أَزْكَى طَعَامًا

و باید بنگرد که کدامشان طعام پاکیزه تر و حلال تر دارند

Let him see which food is the most suitable



فَلْيَأْتِكُمْ بِرِزْقٍ مِنْهُ وَلِيَتَلَطَّفْ

تا از آن روزی برایتان فراهم آرد و باید با دقت و ملاحظه این کار را انجام دهد
and bring you [back] a supply of it. Let him act discreetly

وَلَا يُشْعِرَنَّ بِكُمْ أَحَدًا

۱۹

و نباید هیچ کس را از حال شما آگاه سازد. (۱۹)
and not make anyone aware of you. (19)



إِنَّهُمْ إِنْ يَظْهَرُوا

زیرا که اگر (این مردم کافر) بر شما آگهی و ظفر یابند

If they should find out about you,

عَلَيْكُمْ يَرْجُمُوكُمْ

شما را یا سنگسار خواهند کرد

they will stone you



أَوْ يُعِيدُوكُمْ فِي مِلَّتِهِمْ

یا به آیین خودشان برمی گردانند
or make you turn back to their sect.



وَلَنْ تَفْلِحُوا إِذَا أَبَدًا

و در آن صورت دیگر روی رستگاری نخواهید دید. (۲۰)
You would never succeed then!" (20)



وَكَذَلِكَ أَعَثَرْنَا عَلَيْهِمْ

و این چنین ما مردم را بر حال اصحاب کهف آگاه ساختیم

Thus We disclosed things to them

لِيَعْلَمُوا أَنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ

تا خلق بدانند که وعده خدا (به روز معاد و زنده کردن مردگان) به حق بوده

so they might know that God's promise has come true



وَأَنَّ السَّاعَةَ لَا رَيْبَ فِيهَا

و ساعت قیامت البته بی هیچ شک خواهد آمد، آن گاه که میانشان تنازع
and there is no doubt about the Hour.

إِذْ يَتَنَازَعُونَ بَيْنَهُمْ أَمْرَهُمْ

و خلاف در امر آنها بود (یعنی در عدد یا آیین آنها که قائل به معاد و قیامت بودند)
So [people] debated their case among themselves,



فَقَالُوا ابْنُوا عَلَيْهِم بُيُوتًا ز

پس بعضی گفتند: باید گرد آنها حصار و بنایی بسازیم (که در حبس
and they said: "Build a monument over them.

رَبِّهِمْ أَعْلَمُ بِهِمْ ج

از خلق مستور و ممنوع شوند) خدا به احوال آنها آگاه تر است
Their Lord is quite Aware of them."



قَالَ الَّذِينَ غَلَبُوا عَلَىٰ أَمْرِهِمْ

و آنان که بر واقع احوال آنها ظفر و اطلاع یافتند (یعنی خداپرستان و

Those who won out in the end said:

لَنَتَّخِذَنَّ عَلَيْهِم مَّسْجِدًا

۲۱

نیکان امت با خود) گفتند: البته برایشان مسجدی بنا کنیم. (۲۱)

"Let us erect a shrine for them." (21)



سَيَقُولُونَ ثَلَاثَةً

بعضی خواهند گفت که عدۀ آن اصحاب کَهِف سه نفر بود

They will say: "[They were] three,

رَابِعَهُمْ كَلْبُهُمْ

چهارمین هم سگ آنها،

the fourth of them being their dog;



وَيَقُولُونَ خَمْسَةٌ

و برخی دیگر از روی خیالبافی و غیب‌گویی
 " while [others] will say: "Five,

سَادِسْتُمْ كَلْبُهُمْ رَجْمًا بِالْغَيْبِ

می‌گویند عدد آنها پنج نفر بود ششمین سگ آنها،
 the sixth of them is their dog," guessing at the Unseen.



وَيَقُولُونَ سَبْعَةٌ

و برخی دیگر گویند: هفت نفر بودند
[Still others] say: "Seven,

و ثَامِنُهُمْ كَلْبُهُمْ

و هشتمین سگ آنها.
and the eighth of them is their dog."



قُلْ رَبِّيَ أَعْلَمُ بِعَدَّتِهِمْ

بگو: خدای من به عدۀ آنها آگاه‌تر است، که بر عدد آنها به جز افراد قلیلی

SAY: "My Lord is quite Aware as to how many they were."

مَا يَعْلَمُهُمُ إِلَّا قَلِيلٌ

(مانند انبیاء و اولیاء که از طرف حق به وحی دانسته‌اند) هیچ کس آگاه نیست،

Only a few know about them."



فَلَا تُمَارِ فِيهِمْ إِلَّا مِرَاءً ظَاهِرًا

پس تو (با اهل کتاب) درباره آنها مجادله مکن جز آنکه هر چه به ظاهر

Do not discuss them except in a discussion that is obvious,

وَلَا تَسْتَفْتِ فِيهِمْ مِنْهُمْ أَحَدًا

وحی دانستی اظهار کن و دیگر هرگز فتوا از احدی در این باب میپرس. (۲۲)

nor seek anyone else's opinion about them. (22)



وَلَا تَقُولَنَّ لِشَيْءٍ إِنِّي فَاعِلٌ

و تو هرگز درباره چیزی مگو که من این کار را
Do not say about anything: "I am doing that

ذَلِكَ غَدًا ۲۳ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ

فردا خواهیم کرد. (۲۳) مگر آنکه بگویی (ان شاء الله) اگر خدا بخواهد،
tomorrow," (23) unless [you add]: "Should God so wish!"



وَإِذْكُرْ رَبَّكَ إِذَا نَسِيتَ وَقُلْ عَسَىٰ أَنْ

و چون فراموش کنی باز خدا را به یاد آرو به خلق بگو (این قدر بر سر قصه یاران کھف بحث و جدل
Remember your Lord whenever you might forget, and SAY: "Perhaps

يَهْدِينِ رَبِّيٰ لِأَقْرَبَ مِنْ هَذَا رَشَدًا

برپا مکنید که) امید است خدای من مرا به حقایقی بهتر و علومی برتر از این قصه هدایت فرماید. (۲۴)
my Lord will guide me even closer than this to proper behavior." (24)

وَلَبِثُوا فِي كَهْفِهِمْ ثَلَاثَ مِائَةٍ سِنِينَ

و آنها در کهف کوه سبید سال، نه سال هم افزون درنگ کردند (یهود بر علی «ع» در این آیه اعتراض

And they stayed in their Cave for three hundred years

وَازْدَادُوا تِسْعًا

۲۵

کردند که نه سال زیاده در تورات ما نیست. حضرت پاسخ داد که این نه سال بر این است که سال شما

plus nine more. (25)



قُلِ اللّٰهُ اَعْلَمُ بِمَا لَبِثُوۡا ز

شمسی و سال ما قمری است). (۲۵) بگو: خدا به زمان اقامت آنان (در غار کوه)

SAY: "God is quite Aware as to how long they stayed [there]."

لَهُ و غَيْبِ السَّمٰوٰتِ وَاَلْاَرْضِ ز

داناتر است که او به همه اسرار غیب آسمانها و زمین محیط است،

He holds the Unseen in Heaven and Earth; He is quite Observant of

أَبْصِرْ بِهِ وَأَسْمِعْ ج

و چقدر هم بینا و شنواست!
it, and quite Alert as well.

مَا لَهُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَلِيٍّ

و هیچ کس جز او سرپرست و نگهبان خلق نیست
They have no patron besides Him,





وَلَا يُشْرِكُ فِي حُكْمِهِ أَحَدًا

و احدی را در حکم خود شریک نمی سازد. (۲۶)

nor does He let anyone else share in His discretion." (26)

وَاتْلُ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنْ كِتَابِ رَبِّكَ

و آنچه از کتاب خدا بر تو وحی شد (بر خلق) تلاوت کن،

Quote whatever has been revealed to you from your Lord's book: 

لَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِهِ

که کلمات او را هیچ کس تغییر نتواند داد،
there is no one who may change His words,

۲۷

وَلَنْ تَجِدَ مِنْ دُونِهِ مُلْتَحَدًا

و هرگز جز درگاه او پناهی نخواهی یافت. (۲۷)
nor will you ever find any sanctuary except in Him. (27)



وَأَصْبِرْ نَفْسَكَ مَعَ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ

و همیشه خویش را با کمال شکیبایی به محبت آنان که صبح و شام
 Restrain yourself concerning those who appeal to their Lord

بِالْغَدْوَةِ وَالْعُشِيِّ يَرْيَدُونَ وَجْهَهُ

خدای خود را می خوانند و رضای او را می طلبند و ادا کن،
 in the morning and evening, wanting His presence;



وَلَا تَعُدُّ عَيْنَاكَ عَنْهُمْ

و مبادا دیدگانت از آنان بگردد
yet do not let your eyes wander too far from them,

تُرِيدُ زِينَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا

از آن رو که به زینتهای دنیا مایل باشی،
desiring the attraction of worldly life.



وَلَا تُطِيعُ مَنْ أَغْفَلْنَا قَلْبَهُ وَعَنْ ذِكْرِنَا

و هرگز از آن که ما دل او را از یاد خود غافل کرده ایم و تابع

Do not obey anyone whose heart We allow to neglect remembering Us,

وَ اتَّبِعْ هَوَاهُ وَ كَانَ أَمْرُهُ فُرُطًا

هوای نفس خود شده و به تبهکاری پرداخته متابعت مکن. (۲۸)

so he pursues his own whim. His case results in dissipation. (28)

۲۵۳
وَقُلِ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ شَاءَ

و بگو: دین حق همان است که از جانب پروردگار شما آمد، پس هر که
SAY: "Truth comes from your Lord. Let anyone who wishes to,

فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُكْفِرْ

می خواهد ایمان آرد و هر که می خواهد کافر شود،
believe, and let anyone who wishes to, disbelieve."



إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلظَّالِمِينَ نَارًا

ما برای کافران ستمکار آتشی مهیا ساخته ایم

We have reserved a fire for wrongdoers

أَحَاطَ بِهِمْ سُرَادِقُهَا

که شعله‌های آن مانند خیمه‌های بزرگ گرد آنها احاطه کند


whose sheets will hem them in.



وَإِنْ يَسْتَعْجِلُوا

و اگر (از شدت عطش) شربت آبی درخواست کنند
 If they should ask for some relief, then water

يُغَاثُوا بِمَاءٍ كَالْمُهْلِ يَشْوِي الْوُجُوهُ

آبی مانند مس گداخته سوزان به آنها دهند که رویها را بسوزاند
 like molten brass will be showered on them to scorch their faces. 

بِئْسَ الشَّرَابُ

و آن آب، بسیار بد شربتی

How awful such a drink will be

وَسَاءَتْ مُرْتَفَقًا

۲۹

و آن دوزخ، بسیار بد آسایشگاهی است. (۲۹)

and how evil is such a couch! (29)



إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ

آنان که ایمان آوردند و نیکوکار شدند

As for those who believe and perform honorable deeds, well We shall

إِنَّا لَنُضِيعُ أَجْرَ مَنْ أَحْسَنَ عَمَلًا

ما هم اجر نیکوکاران را ضایع نخواهیم گذاشت. (۳۰)

not waste the earnings of anyone whose action has been kind. (30)

أُولَئِكَ لَهُمْ جَنَّاتُ عَدْنٍ

آنهائیند که بهشتهای عدن

Those shall have the gardens of Eden

تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ

که نهرها زیر درختانش جاری است خاص آنهاست

through which rivers will flow.



يَجْلُونَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرَ مِنْ ذَهَبٍ

در حالی که آنان را در آن بهشت به دستبندها و زیورهای زرین
They will be decked out with gold bracelets there

وَيَلْبَسُونَ ثِيَابًا خَضْرَاءَ

بیارایند و لباس‌های سبز
and wear green



مِنْ سُنْدُسٍ وَإِسْتَبْرَقٍ

حریر و دیبا درپوشند

silk clothing and brocade,

مُتَكِّئِينَ فِيهَا عَلَى الْأَرَائِكِ

و بر تخت‌ها تکیه زنند،

as they lean back on sofas in it.





نِعْمَ الثُّوَابُ وَحَسُنَتْ مُرْتَفَقًا ۴

که آن بهشت، نیکو اجری و خوش آرامگاهی است. (۳۱)

How superb will such a recompense be and how handsome is the couch! (31)

وَاضْرِبْ لَهُم مَّثَلًا رَجُلَيْنِ ۵

و دو مرد (مؤمن و کافر) را برای امت مثل آر

Set forth a comparison between two men for them:



جَعَلْنَا لِأَحَدِهِمَا

که به یکی از آنها

We granted two vineyards

جَنَّتَيْنِ مِنْ أَعْنَابٍ

دو باغ انگور دادیم

to one of them,



وَ حَفَفْنَا هُمَا بِنَخْلٍ

و به نخل خرما اطرافش را پوشانیدیم
and bordered them with datepalms

۳۲

وَ جَعَلْنَا بَيْنَهُمَا زَرْعًا

و عرصهٔ میان آنها را کشتزار (برای گندم و سایر حبوبات) قرار دادیم. (۳۲)
and planted field crops in between. (32)



كَلَّتَا الْجَنَّتَيْنِ ءَاتَتْ أَكْلَهَا

آن دو باغ کاملاً میوه‌های خود را
Each garden produced its food

وَلَمْ تَظْلِمِ مِنْهُ شَيْءًا

بی هیچ آفت و نقصان بداد
and did not fail to yield its best;





وَفَجَّرْنَا خِلَالَهُمَا نَهْرًا

و در وسط آنها جوی آبی نیز روان ساختیم. (۳۳)

We even caused a river to spring forth in the midst of them. (33)

وَكَانَ لَهُ وَ ثَمْرٌ فَقَالَ لِصَاحِبِهِ

و این مرد که دو باغ میوه بسیار داشت با رفیق خود (که مردی مؤمن و فقیر بود)

One man had fruit and told his companion



وَهُوَ يُجَاوِرُهُ وَأَنَا أَكْثَرُ مِنْكَ مَالًا

در مقام گفتگو و مفاخرت برآمد و گفت: من از تو به دارایی بیشتر

while he was discussing things with him: "I am wealthier than you are,

وَأَعَزُّ نَفَرًا

و از حیث خدم و حشم نیز عزیزتر و توانمندترم. (۳۴)

and have a bigger following!" (34)



وَدَخَلَ جَنَّتَهُ وَهُوَ ظَالِمٌ لِّنَفْسِهِ

و روزی به باغ خود در حالی که به نفس خود ستمکار بود (چون عمر را به کفر و گناه و غفلت

He entered his garden while he was thus harming his own soul.

قَالَ مَا أَظُنُّ أَنْ تَبِيدَ هَذِهِ أَبَدًا

از خدا می گذرانید با کمال غرور) داخل شد، گفت: گمان ندارم هرگز این باغ نابود شود. (۳۵)

He said: "I do not think that this will ever disappear! (35)



وَمَا أَظُنُّ السَّاعَةَ قَائِمَةً

و نیز گمان نمی‌کنم که روز قیامتی به پا شود و اگر (به فرض هم

I do not think the Hour is at hand;

وَلَئِن رُّدِدْتُ إِلَىٰ رَبِّي

خدا و قیامتی باشد و) من به سوی خدای خود بازگردم

if I am ever sent back to my Lord,






لَا أَجِدَنَّ خَيْرًا مِنْهَا مُنْقَلَبًا

البته (در آن جهان نیز) از این باغ دنیا منزلی بهتر خواهم یافت. (۳۶)
I shall find something better than it in exchange." (36)

قَالَ لَهُ وَصَاحِبِهِ وَهُوَ يُجَاوِرُهُ

رفیق (با ایمان و فقیر) او در مقام گفتگو (و اندرز) بدو گفت:
His companion told him while he was discussing things with him: 

اَكْفَرْتَ بِالَّذِي خَلَقَكَ مِنْ تُرَابٍ

آیا به خدایی که نخست از خاک و بعد از نطفه تو را آفرید

"Have you disbelieved in the One Who created you from dust,

ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ سَوَّكَ رَجُلًا

۳۷

و آن گاه مردی کامل و آراسته خلقت ساخت کافر شدی؟! (۳۷)

then from a drop of semen; then fashioned you into a man? (37)



لَكِنَّا هُوَ اللَّهُ رَبِّي

لیکن من پروردگارم آن خدای یکتاست

However so far as we are concerned, He is God my Lord,

وَلَا أُشْرِكُ بِرَبِّي أَحَدًا

۳۸

و هرگز به خدای خود احدی را شریک نخواهم ساخت. (۳۸)

and I do not associate anyone with my Lord! (38)



وَلَوْلَا إِذْ دَخَلْتَ جَنَّتَكَ

و تو چرا وقتی به باغ خود در آمدی

Why, as you entered your garden, did you not say: 'Whatever

قُلْتَ مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ

نگفتی که همه چیز به خواست خداست و جز قدرت خدا قوه‌ای نیست؟

God may wish; there is no strength except through God [Alone]!?

إِنْ تَرِنِ

اگر تو مرا

Even if you see



أَنَا أَقَلُّ مِنْكَ مَالًا وَوَلَدًا

از خود به مال و فرزند کمتر دانی (به خود مغرور مشو که)، (۳۹)

how I am less wealthy than you are and have fewer children, (39)



فَعَسَىٰ رَبِّي أَن يُوْتِيَنِي خَيْرًا

امید است خدا مرا بهتر از باغ تو

perhaps my Lord will still give me something

مِنْ جَنَّتِكَ

(در آخرت و دنیا) بدهد

better than your garden



وَيُرْسِلَ عَلَيْهَا حُسْبَانًا مِّنَ السَّمَاءِ

و بر بوستان تو آتشی فرستد

and send a reckoning down from Heaven on it,

فَتُصْبِحَ صَعِيدًا زَلَقًا

۴۰

که باغت یکسره نابود و با خاک صِرف، یکسان گردد. (۴۰)

so it will eventually become a bald hilltop, (40)



أَوْ يُصْبِحَ مَأْوُهَا غَوْرًا

یا آتش به زمین فرو رود

or its water will sink down some morning

فَلَنْ تَسْتَطِيعَ لَهُ وَ طَلْبًا ٤١

و دیگر هرگز نتوانی آب به دست آری (و باغت از بی‌آبی خشک شود). (۴۱)

and you will never manage to find it again." (41)



وَأَحِيطَ بِثَمَرِهِ فَأَصْبَحَ

و ثمره و میوه‌هایش همه نابود گردید

He was caught short with his fruit, and one morning

يُقَلِّبُ كَفَيْهِ عَلَىٰ مَا أَنْفَقَ فِيهَا

و او (از شدت حزن و اندوه) بر آنچه در باغ خرج کرده بود دست بر دست می‌زد

he began to wring his hands over what he had spent on it,



وَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَى عُرُوشِهَا وَيَقُولُ

که بنا و اشجارش همه ویران و خشک شده بود، و می گفت:

since it had tumbled down from its trellises. He kept saying: "It's too

۴۲

يَا لَيْتَنِي لَمْ أَشْرِكْ بِرَبِّي أَحَدًا

ای کاش من احدی را به خدای خود شریک نمی ساختم. (۴۲)

bad for me; I should never have associated anyone with my Lord!" (42)

وَلَمْ تَكُنْ لَهُ وِفَاءَ يَنْصُرُونَهُ و

و ابدأً جز خدا هیچ گروهی نبود که آن گنهگار کافر را از قهر

He had no party to support him

۴۳

مِنْ دُونِ اللَّهِ و مَا كَانَ مُنْتَصِرًا

و خشم خدا یاری و حمایت کند و نه خود مدافع خویش بود. (۴۳)

against God, so he was not supported. (43)



هُنَالِكَ الْوَلَايَةُ لِلَّهِ الْحَقِّ

آنجا ولایت و حکمفرمایی خاص خداست که به حق فرمان دهد
That is how patronage lies with the True God.

هُوَ خَيْرُ ثَوَابًا وَ خَيْرُ عُقْبَاً



و بهترین اجر و ثواب و عاقبت نیکو را هم او عطا کند. (۴۴)
He is Best as a recompense and Best in results. (44)



وَاضْرِبْ لَهُمْ مَثَلًا حَيَاةِ الدُّنْيَا

و برای امت، زندگانی دنیا را چنین مثل زن
Set forth an example for them about worldly life

كَمَا أَنْزَلْنَا مِنْ السَّمَاءِ

که ما آب بارانی از آسمان نازل کنیم
being like water We send down from the sky.



فَاخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الْأَرْضِ

و به آن آب، درختان و نباتات گوناگون زمین درهم پیچیده و خرم بروید،

The plants on the Earth swell up with it; yet some morning

فَأَصْبَحَ هَشِيمًا تَذْرُوهُ الرِّيحُ

سپس همه درهم شکسته و خشک شود و به دست بادهای زبر و زبر و پراکنده گردد،

they will become dry weeds which the winds will blow away.



وَكَانَ اللَّهُ

و خدا
God is

۴۵

عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ مُّقْتَدِرًا

بر هر چیز اقتدار کامل دارد. (۴۵)
Competent to do everything! (45)



الْمَالُ وَالْبَنُونَ

مال و فرزندان،
Wealth and children

زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا

زیب و زینت حیات دنیاست
are an attraction during worldly life.



وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ

و اعمال صالح كه (تا قيامت) باقى است

Yet honorable deeds that last for ever are better

خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَ خَيْرٌ أَمَلًا


۴۶

نزد پروردگار از نظر ثواب بهتر و از نظر امیدمندی نیکوتر است. (۴۶)
as a recompense from your Lord and even better to hope for. (46)

وَيَوْمَ نُسَيِّرُ الْجِبَالَ

و (یاد کن) روزی که ما کوه‌ها را به رفتار آریم و زمین را صاف
Some day We shall set the mountains travelling along

وَتَرَى الْأَرْضَ بَارِزَةً وَحَشَرْنَاهُمْ

و بدون پست و بلندی آشکارا بینی و همه را (در صف محشر از قبرها) برانگیزیم
and you will see the earth lying exposed. We will summon them 



فَلَمْ نُوَاظِرْ مِنْهُمْ أَحَدًا

و یکی را فرو نگذاریم. (۴۷)

and not one of them shall We omit; (47)

وَعَرِّضُوا عَلَىٰ رَبِّكَ صَفًّا

و خلائق را در صفی بر خدا عرضه کنند

they will be marshalled in ranks before your Lord:



لَقَدْ جِئْتُمُونَا

(و به کافران گفته شود: دیدید) همان گونه که

"You have come to Us

كَمَا خَلَقْنَاكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ ج

اول بار شما را آفریدیم باز به سوی ما باز آمدید،

just as We created you in the first place



بَلْ زَعَمْتُمْ

اما شما (به خیال باطل) پنداشتید
even though you claimed

۴۸

أَلَنْ نَجْعَلَ لَكُمْ مَوْعِدًا

که هرگز برای شما وعده‌گاهی نمی‌نهمیم (و معادی در کار نیست). (۴۸)
We would never make any appointment for you." (48)



وَوَضِعَ الْكِتَابُ فَتَرَى الْمُجْرِمِينَ

و کتاب اعمال نیک و بد خلق را پیش نهند، آن گاه اهل عصیان را از آنچه

The Book will be produced and you will see criminals

مُشْفِقِينَ مِمَّا فِيهِ وَيَقُولُونَ

در نامه عمل آنهاست ترسان و هراسان بینی در حالی که (با خود) گویند:

apprehensive about its contents. They will say:



يَا وَيْلَتَنَا مَا لِهَذَا الْكِتَابِ لَا يُغَادِرُ

ای وای بر ما، این چگونه کتابی است که اعمال کوچک و بزرگ ما را
 "It's too late for us! What does this book mean for me?"

صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً إِلَّا أَحْصَاهَا

سر مویی فرو نگذاشته جز آنکه همه را احصا کرده است؟!!

It omits nothing either small nor large unless it is accounted for." 

وَوَجَدُوا مَا عَمِلُوا حَاضِرًا ط

و در آن کتاب همه اعمال خود را حاضر بینند

They will find whatever they have done presented there,

وَلَا يَظْلِمُ رَبُّكَ أَحَدًا ع

۴۹

و خدا به هیچ کس ستم نخواهد کرد. (۴۹)

even though your Lord will not harm anyone. (49)



وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ

و (یاد آر) وقتی که به فرشتگان فرمان دادیم که بر آدم همه سجده کنید،
When We told the angels: "Bow down on your knees before Adam,"

فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ كَانَ مِنَ الْجِنِّ

و آنها تمام سر به سجده فرود آوردند جز شیطان که از جنس جن (دیو) بود
they [all] knelt down except for Diabolis; he was a sprite



فَفَسَقَ عَنْ أَمْرِ رَبِّهِ ط أَفْتَتَّخِذُونَهُ و

بدین جهت از طاعت خدای خود سرپیچید، پس آیا (شما فرزندان آدم)
and acted contrary to his Lord's command. Will you (all) adopt him

وَذُرِّيَّتَهُ و أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِي

مرا فراموش کرده و شیطان و فرزندان او را دوست خود می‌گیرید
and his offspring as patrons instead of Myself?



وَهُمْ لَكُمْ عَدُوٌّ

در صورتی که آنها شما را سخت دشمنند؟ ظالمان را

They are enemies of yours!

بِئْسَ لِلظَّالِمِينَ بَدَلًا

۵۰

(که به جای خدا شیطان را به طاعت برگزیدند) بسیار بد بدلی است. (۵۰)

How wretched is such an alternative for wrongdoers. (50)



مَا أَشْهَدْتُهُمْ خَلْقَ السَّمَوَاتِ

من در وقت آفرینش آسمانها و زمین

I did not have them as witnesses at the creation of Heaven

وَالْأَرْضِ وَلَا خَلَقَ أَنْفُسِهِمْ

و یا خلقت خود این مردم، آنها را حاضر و گواه نساختم
and Earth, nor even at their own creation.



وَمَا كُنْتُ

(و کمک از کسی نخواستم) و هرگز

I am not about to adopt those

مُتَّخِذِ الْمُضِلِّينَ عَضُدًا

۵۱

گمراه کنندگان را به مددکاری نگرفتم. (۵۱)

who lead [others] astray as [My] attendants. (51)



وَيَوْمَ يَقُولُ نَادُوا

و (یاد آر) روزی که خدا به کافران گوید:

Some day He will say: "Call on

شُرَكَاءِي الَّذِينَ زَعَمْتُمْ

اکنون آنان را که شریک من گمان داشتید بخوانید (تا به فریاد شما رسند)،

My associates whom you claim to have,



فَدَعَوْهُمْ فَلَمْ يَسْتَجِيبُوا لَهُمْ

آنها بخوانند و هیچ یک اجابت نکنند، و میان همه آنها
and appeal to them." They will not respond to them,

وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمْ مَوْبِقًا

۵۲

(یعنی مشرکان و معبودانشان) جایگاهی سخت مهلک مقرر سازیم. (۵۲)
while We shall place a chasm between them. (52)



وَرَاءَ الْمُجْرِمُونَ النَّارَ فَظَنُّوا أَنَّهُمْ

و آن گاه مردم بدکار، آتش دوزخ را به چشم مشاهده کنند

Criminals will see the Fire and think they are falling into it.

مُواقِعُوهَا وَلَمْ يَجِدُوا عَنْهَا مَصْرِفًا

و بدانند که در آن خواهند افتاد و از آن ابداً مفری ندارند. (۵۳)

They will not find any way to avert it. (53)



وَلَقَدْ صَرَّفْنَا فِي هَذَا الْقُرْءَانِ

و ما در این قرآن هرگونه مثال و بیان

We have spelled out every sort of example

لِلنَّاسِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ

برای (هدایت) خلق آوردیم

for mankind in this Qur'an



وَكَانَ الْإِنْسَانُ

و لیکن آدمی بیشتر از هر چیز

yet every man uses it

أَكْثَرِ شَيْءٍ جَدَلًا



(با سخن حق) به جدال و خصومت برخیزد. (۵۴)

just for argument in most cases. (54)



وَمَا مَنَعَ النَّاسَ أَنْ يُؤْمِنُوا

و چون هدایت (الهی قرآن) به خلق رسید چیزی مردم را منع نکرد
 What has prevented men from believing and seeking

إِذْ جَاءَهُمُ الْهُدَىٰ وَيَسْتَغْفِرُوا رَبَّهُمْ

که آن هدایت را بپذیرند و به درگاه پروردگار خود توبه و استغفار کنند
 forgiveness from their Lord, once guidance has come to them,



إِلَّا أَنْ تَأْتِيَهُمْ سُنَّةٌ الْأَوَّلِينَ

به جز آنکه (خواستند مستحق شوند تا) سنت (عقوبت و هلاک) پیشینان
except [they may wish] that the practice of primitive people should

أَوْ يَأْتِيَهُمُ الْعَذَابُ قُبُلًا

به اینان هم برسد و یا با مجازات و عذاب خدا روبرو شوند. (۵۵)

come along with them, or that torment come face to face with them. (55)

وَمَا نُرْسِلُ الْمُرْسَلِينَ

و ما رسولان را جز برای
We have sent emissaries

إِلَّا مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ

بشارت (نیکان) و ترسانیدن (بدان) نمی فرستیم
merely as heralds and warners



وَيُجَادِلُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِالْبَاطِلِ

و کافران با سخنان بیهوده باطل می خواهند جدل کرده
while those who disbelieve idly argue away so they may refute

لِيُدْحِضُوا بِهِ الْحَقَّ

و حق را پایمال کنند،
the Truth by means of it.



وَ اتَّخَذُوا آيَاتِي

و آیات مرا و آنچه برای تنبیه

They treat My signs

وَمَا أَنْذِرُوا هَزُؤًا

۵۶

و اندازشان آمد به استهزاء گرفتند. (۵۶)

and what they are warned of as a joke! (56)



وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ ذُكِّرَ بِآيَاتِ رَبِّهِ

و کیست ستمکارتر از آن کسی که متذکر آیات خدایش ساختند و بدانها پندش
Who is more in the wrong than someone who has been reminded about

فَاعَرَضَ عَنْهَا وَنَسِيَ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ

دادند و باز از آنها اعراض کرد و از اعمال زشتی که کرده بود به کلی فراموش کرد
his Lord's signs and then avoids them, and forgets anything his hands

إِنَّا جَعَلْنَا عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً

و ما (پس از اتمام حجت) بر دل‌هایشان پرده‌ها (ی جهل و قساوت)
 may have sent on ahead? We have placed wrappings over their

أَنْ يَفْقَهُوهُ وَفِي آذَانِهِمْ وَقْرًا

انداختیم تا دیگر آیات ما را فهم نکنند،
 hearts and dullness in their ears lest they understand it.



وَإِن تَدْعُهُمْ إِلَى الْهُدَىٰ

و گوش آنها را (از شنیدن سخن حق) سنگین ساختیم

Even if you called them to guidance,

فَلَن يَهْتَدُوا إِذَا أَبَدًا

۵۷

و اگر به هدایتشان بخوانی دیگر ابداً هدایت نخواهند یافت. (۵۷)

they still would never consent to be guided. (57)



وَرَبُّكَ الْغَفُورُ ذُو الرِّحْمَةِ

و خدای تو بسیار آمرزنده و بی نهایت دارای کرم و رحمت است،
Your Lord is the Forgiving, the Possessor of Mercy.

لَوْ يُوَأْخِذُهُمْ بِمَا كَسَبُوا

اگر خواهد تا خلق را به کردارشان مؤاخذه کند،
If He were to take them to task for what they have earned,



لَعَجَّلَ لَهُمُ الْعَذَابَ بَلْ لَهُم مَّوْعِدٌ

همانا در عذابشان تعجیل و تسریع کند و لیکن برای (عذاب) آنان وقت معین
 He would hasten torment for them; instead they have their

لَنْ يَجِدُوا مِنْ دُونِهِ مَوْئِلًا

(در عالم قیامت) مقرر است که از آن هرگز پناه و گریزگاهی نخواهند یافت. (۵۸)
 appointment from which they will never find any asylum. (58)

وَتِلْكَ الْقُرَىٰ أَهْلَكْنَاهُمْ لَمَّا ظَلَمُوا

و این است شهر و دیارهایی که اهل آن را چون ظلم و ستم کردند هلاک
Such towns have We destroyed whenever they did wrong,

وَجَعَلْنَا لِمَهْلِكِهِم مَّوْعِدًا

ساختیم و بر وقت هلاکشان موعدی معلوم مقرر گردانیدیم. (۵۹)
and We fixed the time for their destruction. (59)



وَإِذْ قَالَ مُوسَى لِفَتَاهُ لَا أَبْرَحُ

و (به یاد آر) وقتی که موسی به شاگردش (یوشع که وصی و خلیفه او بود) گفت:
And so Moses told his young man: "I shall not give up

حَتَّىٰ أَبْلُغَ مَجْمَعَ الْبَحْرَيْنِ

من دست از طلب برندارم تا به مجمع البحرین (به محل برخورد دو دریا) برسم
until I reach the place where both seas meet,



أَوْ أَمْضِيَ حُقُبًا



یا سالها عمر در طلب بگذرانم. (۶۰)
 even though I spend ages doing so." (60)

فَلَمَّا بَلَغَا مَجْمَعَ بَيْنَهُمَا

و چون موسی و شاگردش بدان مجمع البحرین رسیدند،
 So when they reached the place where they had met,



نَسِيَا حُوتَهُمَا

ماهی غذای خود را فراموش کردند
they forgot their fish,

فَاتَّخَذَ سَبِيلَهُ فِي الْبَحْرِ سَرَبًا ٦١

و آن ماهی راه به دریا برگرفت و رفت. (۶۱)

which took its way to the sea as if it went out through a drain (61) 

فَلَمَّا جَاوَزَا قَالَ لِفَتَاهُ آتِنَا غَدَاءَنَا

پس چون که از آن مکان بگذشتند موسی به شاگردش گفت:

When they had gone still further, he told his young man: "Bring us

۶۲

لَقَدْ لَقِينَا مِنْ سَفَرِنَا هَذَا نَصَبًا

چاشت ما را بیاور که ما در این سفر رنج بسیار دیدیم. (۶۲)

our lunch; we have experienced so much strain along our journey." (62)

قَالَ أَرَأَيْتَ إِذْ أَوَيْنَا إِلَى الصَّخْرَةِ

وی گفت: در نظر داری آنجا که بر سر سنگی منزل گرفتیم؟
He said: "Did you see when we were resting by the rock,

فَإِنِّي نَسِيتُ الْحُوتَ

من (آنجا) ماهی را فراموش کردم
that I forgot the fish?



۳۱۹
ج و
وَمَا أَنْسَانِيهِ إِلَّا الشَّيْطَانُ أَنْ أَذْكُرَهُ

و آن را جز شیطان از یادم نبرد

Unless it was Satan who made me forget it so I did not remember it.

۶۳
وَ اتَّخَذَ سَبِيلَهُ فِي الْبَحْرِ عَجَبًا

و شگفت آنکه ماهی بریان راه دریا گرفت و برفت. (۶۳)

It took its way through the sea like something marvellous!" (63)



قَالَ ذَلِكَ مَا كُنَّا نَبِغُ ج

موسی گفت: آنجا همان مقصدی است که ما در طلب آن بودیم،

He said: "That is just what we've been searching for."

فَارْتَدُّوا عَلَىٰ أَثَارِهِمَا قَصَصًا ٦٤

و از آن راهی که آمدند به آنجا برگشتند. (۶۴)

So they retraced their steps the way they had come. (64)



فَوَجَدَا عَبْدًا مِنْ عِبَادِنَا

در آنجا بنده‌ای از بندگان خاص ما را یافتند

They found one of Our servants

ءَاتَيْنَاهُ رَحْمَةً مِنْ عِنْدِنَا

که او را رحمت و لطف خاصی از نزد خود عطا کردیم

to whom We had given mercy from Ourselves





وَعَلَّمْنَاهُ مِنْ لَدُنَّا عِلْمًا

و هم از نزد خود، وی را علم (لدنی و اسرار غیب الهی) آموختیم. (۶۵)
and taught him knowledge from Our very presence. (65)

قَالَ لَهُ وَمُوسَى

موسی به آن شخص دانا (و خضر زمان) گفت:
Moses said to him:



هَلْ أَتَّبِعُكَ عَلَىٰ

آیا من تبعیت (و خدمت) تو کنم
 "May I follow you so you may teach me

۶۶

أَنْ تَعْلِمَنِي مِمَّا عَلَّمْتَنِي رُشْدًا

تا از علم لدنی خود مرا بیاموزی؟ (۶۶)

some of the common sense you have been taught?" (66)



قَالَ إِنَّكَ

آن عالم پاسخ داد که تو

He said:" You will



لَنْ تَسْتَطِيعَ مَعِيَ صَبْرًا

هرگز نمی توانی که (تحمل اسرار کرده و) با من صبر پیشه کنی. (۶۷)

never have any patience with me! (67)



وَ كَيْفَ تَصْبِرُ

و چگونه صبر توانی کرد

How can you show any patience

عَلَىٰ مَا لَمْ تُخِطْ بِهِ خَيْرًا ۖ

۶۸

بر چیزی که از علم آن آگهی کامل نیافته‌ای؟ (۶۸)

with something that is beyond your experience?" (68)



قَالَ سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ صَابِرًا

موسی گفت: به خواست خدا مرا با صبر و تحمل خواهی یافت
 He said: "You will find me patient, if God so wishes.

وَلَا أَعْصِي لَكَ أَمْرًا ٦٩

و هرگز در هیچ امر با تو مخالفت نخواهم کرد. (۶۹)
 I will not disobey you in any matter." (69)



قَالَ فَإِنْ اتَّبَعْتَنِي فَلَا تَسْأَلْنِي عَنْ

آن عالم گفت: پس اگر تابع من شدی دیگر از هر چه من کنم
He said: "If you follow me, do not ask me about anything

شَيْءٍ حَتَّىٰ أُحَدِّثَ لَكَ مِنْهُ ذِكْرًا

هیچ سؤال مکن تا وقتی که من خود تو را از آن راز آگاه سازم. (۷۰)
until I tell you something to remember it by." (70)



فَانْطَلَقَا حَتَّىٰ إِذَا رَكِبَا

سپس هر دو با هم برفتند تا وقتی که در کشتی سوار شدند.
So they both started out until, as they boarded the ship,

فِي السَّفِينَةِ خَرَقَهَا

آن عالم کشتی را بشکست،
he bored a hole in her.



قَالَ أَخْرَقْتُهَا لِتُغْرِقَ أَهْلَهَا

موسی گفت: ای مرد، آیا کشتی شکستی تا اهل آن را به دریا غرق کنی؟!

He said: "Have you scuttled her to drown her crew?"

لَقَدْ جِئْتَ شَيْئًا إِمْرًا ۷۱

بسیار کار منکر و شگفتی به جای آوردی. (۷۱)

You have done such a weird thing!" (71)



قَالَ أَلَمْ أَقُلْ

گفت: آیا من نگفتم که

He said: "Didn't I say



إِنَّكَ لَنْ تَسْتَطِيعَ مَعِيَ صَبْرًا

هرگز ظرفیت و توانایی آنکه با من صبر کنی نداری؟ (۷۲)

that you would not manage to show any patience with me?" (72)



قَالَ لَا تُؤَاخِذْنِي بِمَا نَسِيتُ

موسی گفت: (این یک بار) بر من مگیر که شرط خود را فراموش کردم
 He said: "Do not take me to task for what I have forgotten,

۷۳

وَلَا تُرْهِقْنِي مِنْ أَمْرِي عُسْرًا

و مرا تکلیف سخت طاقت فرسا نفرما. (۷۳)

nor weigh me down by making my case too difficult for me." (73)



فَانْطَلَقَا

و باز هم روان شدند
They journeyed on

حَتَّىٰ إِذَا لَقِيَا غُلَامًا فَقَتَلَهُ ۖ

تا به پسری برخوردند، او پسر را (بی‌گفتگو) به قتل رسانید.
until when they met a youth, he killed him.



قَالَ أَقْتَلْتُ نَفْسًا زَكِيَّةً بِغَيْرِ نَفْسٍ

باز موسی گفت: آیا نفس محترمی که کسی را نکشته بود بی گناه کشتی؟

He said: "Have you killed an innocent soul without any previous

لَقَدْ جِئْتَ شَيْئًا نُكْرًا

۷۴

همانا کار بسیار منکر و ناپسندی کردی. (۷۴)

murder [on his part]? You have committed such a horrible deed!" (74)



Negareh Asan



easy.reading.quran



negareh.asan

negarehasanpub



www.negareh-asan.ir

نِگارِش
آسان